

دیار سجده :

چهل حدیث از سیره سیدالسادین در سفر به بیت الحرام

مشخصات کتاب

سرشناسه: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق.

عنوان و نام پدیدآور: دیار سجده : چهل حدیث از سیره سیدالسادین در سفر به بیت الحرام / محمدمهدی کافی.

مشخصات نشر: قم : موسسه پیام امام هادی (ع) ، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.؛ ۲۰×۱۱/۵ س م.

شابک: ۱۵۰۰۰ ریال : ۷-۲۸-۸۸۳۷-۹۶۴

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: کتابنامه : ص. ۹۵ - ۹۶ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. -- احادیث

موضوع: حج -- احادیث

شناسه افزوده: کافی، محمدمهدی، ۱۳۴۸ -، گردآورنده

شناسه افزوده: موسسه امام هادی (ع)

رده بندی کنگره / BP۴۳/۲: ک ۲ ۹۵ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۹۵۴/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۲۴۵۸۲

اشاره

ديار سجده

چهل حديث از سيره سيد الساجدين

در سفر به بيت الله الحرام

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ۳

تقديم به پيشگاه:

اشاره

برگزیده دو جهان حضرت محمد صلی الله علیه و آله

مظلوم عالم حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام

همسر مظلومه اش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

و فرزندان ایشان ائمه معصومین علیهم السلام به ویژه آخرین آنها حضرت حجه بن الحسن المهدی علیه السلام

«اللهم عجل فرجه، واجعلنا من انصاره، وامن علينا برضاه»

ص: ۴

فهرست

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم:

مَنْ حَفِظَ عَلَيَّ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِمَّا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ فِي أَمْرِ دِينِهِمْ بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا

سخنان معصومین علیهم السلام راهگشا و رساننده انسانها به تکامل و سعادت ابدی است. حفظ این سخنان و احادیث و رساندن آن به دیگران در سخنان پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام، مورد تشویق قرار گرفته است، در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، برای افرادی که گفتار آن حضرت را حفظ کرده و بدون تحریف به دیگران انتقال دهند، دعا نموده اند (۲). محافظت از سخنان معصومین علیهم السلام حتی به وسیله افرادی که به زوایای سخنان آن

ص: ۹

(۱) - اربعین شیخ بهائی، ص ۶۵؛ خصال، ص ۵۴۱ ح ۱۵؛ ثواب الاعمال، ص ۱۶۲ ح ۱.

(۲) - کافی، ج ۱، ص ۴۰۳ ح ۱ و ۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۸۴ ح ۲۳۰.

بزرگان آگاه نباشند نیز کاری لازم است، چه بسا کسی که سخن معصوم را در حافظه دارد و آن را به شخصی آگاه تر انتقال می دهد. و او عمق زوایای سخن آن حضرت را در می یابد و نتیجه مورد نظر را از آن به دست می آورد.

به گفته مرحوم شیخ بهائی، بعید نیست که منظور از تعبیر حفظ که در این احادیث استفاده شده است، جلوگیری از نابودی باشد، که هم حفظ در سینه و هم نوشتن و هم گفتن حدیث در میان مردم را در بر گیرد. (۱)

از سوی دیگر عدد چهل در معارف دینی ما عددی است که مورد عنایت بوده، و به نوعی بر کامل بودن دلالت دارد. در سخنان معصومین علیهم السلام محافظت از احادیث با عدد چهل نیز مورد تشویق قرار گرفته است.

یکی از همین سخنان حدیثی صحیح از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که شیعه و سنی آن را نقل کرده اند: کسی که برای امت من چهل حدیث - که در دین به آنها نیاز دارند - را حفظ کند خدای عزّ و جلّ روز قیامت او را فقیه و دانشمند مبعوث می نماید.

بر همین اساس تدوین مجموعه های چهل حدیث از ابتدا مورد عنایت علمای اسلام بوده است، و در رتبه های پایین تر

ص: ۱۰

نیز مجموعه های اربعین حدیث تدوین یافته اند که این مجموعه ها با نگرش های گوناگون و موضوعات مختلف جمع آوری شده اند.

چهل حدیث جمع آوری شده در این مجموعه؛ سخنان، سیره، و آداب، از معصوم ششم امام سجاد علیه السلام پیرامون حج می باشد، که امید است مورد استفاده و بهره گیری راهیان دیار سجده و سالکان حریم الهی قرار گیرد.

پیش از شروع سخنی کوتاه درباره حج از دید معصومان علیهم السلام و درباره پیشوای چهارمین امام سجاد علیه السلام تقدیم می گردد.

ص: ۱۱

حج عبادتی جامع

حج در میان عبادات، عبادتی جامع و دربردارنده منافی مادی و معنوی برای حج گزار است «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ (۱)». «مناسک حج برخی عبادات دیگر را به همراه دارد و این عبادت هر دو بعد فردی و اجتماعی انسان را در بر می گیرد یعنی افزون بر توجه به امور معنوی و ساخته شدن حج گزار، در این عبادت به زندگی دنیائی مسلمانان نیز توجه شده است. این نگرش عرصه های مختلف، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و... جامعه مسلمانان را در بر می گیرد.

حج یکی از ارکان پنجگانه ای است که بنیان اسلام بر آن نهاده شده است (۲). حج میهمانی خداوند است، و حاجی میهمان، هر چه از خداوند بخواهد به او عطا می کند، دعایش را مستجاب، و شفاعت او درباره دیگران را می پذیرد (۳). حج و عمره دو بازار آخرتی هستند (۴). حج آرامش بخش دلهاست (۵).

ص: ۱۲

(۱) - ۱ حج: ۲۸.

(۲) - ۲ کافی، ج ۲، ص ۱۸ ح ۵.

(۳) - ۳ کافی، ج ۴، ص ۲۵۵ ح ۱۴.

(۴) - ۴ کافی، ج ۴، ص ۲۶۰ ح ۳۵.

(۵) - ۵ امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۰۲ و بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۸۲ ح ۸.

حج و عمره سبب سلامتی جسم و وسعت روزی است (۱). حج سبب رحمت الهی و رسیدن به بهشت اوست. و حج امتحانی الهی است که بندگان با سختی ها آزموده می شوند و با ناخوشی ها امتحان می گردند، تا تکبر از درون آنان خارج و تذلل در دل‌هایشان جایگزین شود، و این سبب باز شدن درهای فضل الهی و راههای هموار بخشش او می باشد (۲). حج را خداوند نشانه تواضع در برابر عظمت خود و اقرار به شکست ناپذیری اش قرار داد و عده ای از بندگان خود را از پاسخ دهندگان دعوتش معین نمود، تا آنان پا به جای انبیا گذارند و به فرشتگانی که گرداگرد عرش خداوند می گردند شبیه شوند، در تجارتکده عبادت حق، سود کسب نمایند و در وعده گاه بخشش او پیشی گیرند (۳).

پیشوای چهارم

امام علی بن الحسین علیه السلام، چهارمین امام، فرزند امام حسین علیه السلام، و ملقب به زین العابدین و سجاد می باشند.

ص: ۱۳

(۱) - ۱ ثواب الاعمال، ص ۷۰ ح ۳.

(۲) - ۲ نهج البلاغه، ص ۳۹۰، خطبه ۱۹۲.

(۳) - ۳ نهج البلاغه، ص ۴۰، خطبه ۱.

مادر آن حضرت سلامه یا شهربانویه (۱)، دختر یزدگرد بوده است. آن حضرت در پنجم شعبان سال ۳۸ هجری دیده به جهان گشود (۲). القاب: زین الصالحین، وارث علم النبیین، وصی الوصیین، خازن وصایا المرسلین، خاشع، زاهد، عابد، عادل، بکاء، امام الأمه، ابوالأئمه، ذو الثغفات، سجاد، سید العابدین و زین العابدین و... برای آن حضرت علیه السلام ذکر شده است (۳). از کنیه های آن حضرت، ابوالحسن، ابو محمد و ابوالقاسم می باشد (۴). امام باقر علیه السلام فرمود: در سجده گاههای پدرم آثار برجسته ای بود، و او در سال دو بار آنها را بر می داشت که در هر بار پنج برآمدگی برداشته می شد، به همین سبب او را ذوالثغفات (۵) می نامیدند (۶).

ص: ۱۴

(۱) - ۱ کافی، ج ۱، ص ۴۶۶؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۳ ح ۲۵.

(۲) - ۲ کافی، ج ۱، ص ۴۶۶. نقل های دیگری نیز سالهای ۳۵ و ۳۶ و ۳۰ و ۳۳ نیز گفته شده است.

(۳) - ۳ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۷۵ و بحار الانوار، ج ۴۶ ص ۴ ح ۵.

(۴) - مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۷۵؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۴ ح ۵.

(۵) - هفتنه: جاهایی از اعضا که روی زمین قرار می گیرد و ضخیم شده و پینه می بندد، مانند زانوها و پیشانی هنگام سجده بر مُهر، ذوالثغفات: صاحب پینه ها.

(۶) - ۶- علل الشرایع، ص ۲۳۳ ب ۱۶۷ ح ۱؛ بحارالانوار، ج ۴۶ ص ۶ ح ۱۲.

و همچنین فرمود: پدرم علی بن الحسین علیه السلام هرگاه یکی از نعمتهای خدا بر خود را به یاد می آورد، به سجده می افتاد، و هرگاه آیه ای از کتاب خداوند عزّ و جلّ که در آن ذکر سجده ای شده بود تلاوت می نمود، سجده می کرد. و هرگاه خداوند عزّ و جلّ بدی یا فتنه دسیسه گری را از او دفع می کرد، سجده می کرد، و هرگاه از نماز واجب فراغت می یافت، سجده می کرد.

و هرگاه بر آشتی دادن دو طرف دعوا موفق می شد، سجده می کرد و اثر سجده در تمامی سجده گاههایش نمایان بود. برای همین سجّاد نام گرفت (۱). آن حضرت علیه السلام به سبب گریه فراوانش بکاء لقب گرفت، و از پنج نفری که در عالم بسیار گریستند شمرده شده است. پس از حادثه کربلا آنقدر گریست که از روی شفقت و مهربانی اطرافیان، مورد اعتراض قرار می گرفت (۲). امام محمد باقر علیه السلام فرمود: علی بن الحسین علیه السلام هر شبانه روز هزار رکعت نماز می گزارد - مانند امیر المؤمنین علیه السلام، پانصد اصله نخل کاشته بود، کنار هر نخل دو رکعت نماز می خواند - هرگاه برای نماز برمی خواست رنگش تغییر می کرد، در نماز، مانند بنده ذلیلی که در برابر پادشاه با جلالتی ایستاده است می ایستاد. اعضای بدن او از ترس خدا می لرزید.

نمازش نماز کسی بود که زندگانی را وداع می گوید، گویا می دید

ص: ۱۵

(۱) - ۱- علل الشرایع، ص ۲۳۲ ب ۱۶۶ ح ۱، بحارالانوار، ج ۴۶ ص ۶ ح ۱۰.

(۲) - ۲- خصال، ص ۲۷۲ باب الخمسه ح ۱۵؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۹ ح ۲.

که پس از این، هیچ گاه نماز نمی خواند. روزی در هنگام نماز، عبا از شانه او افتاد، آن را مرتب نکرد و به نماز ادامه داد، پس از پایان نماز، یکی از یاران علت را جویا شد، امام علیه السلام فرمود: وای بر تو، آیا نمی دانی در برابر چه کسی بودم؟ تنها آن مقدار از نماز بنده مورد پذیرش است که با حضور قلب باشد. آن شخص گفت (پس ما): نابود شدیم، حضرت فرمود: خداوند نمازها را با نوافل جبران می نماید (۱). امام سفرهای متعددی به بیت الله داشته است، در برخی از نقلها بیست سفر و در برخی دیگر چهل سفر آمده است.

انجام مناسک حج از سوی آن حضرت علیه السلام، نمایش روح و باطن و اسرار حج بود و سخنان و ارشادات آن امام در جهات مختلف، هدایت جامعه اسلامی و پیشگیری آن از انحراف را به دنبال داشت.

معرفی امامت و حفظ شیعیان از خطر گمراهی و افتادن در دام نحله های مختلف، از جمله این هدایتگری ها بود.

آن حضرت در سال ۹۵ هجری (۲)، به دست ولید بن عبدالملک مسموم و به شهادت رسید، و در کنار عموی گرامیش حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام، در بقیع (۳) مدفون شد.

ص: ۱۶

(۱) - ۱- اخصال، ص ۵۱۷ ذکر ثلاث وعشرین خصله؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۶۱ ح ۱۹.

(۲) - ۲- کافی، ج ۱، ص ۴۶۸ ح ۶؛ تهذیب، ج ۶، ص ۷۷؛ ارشاد، ج ۲، ص ۱۳۷.

(۳) - ۳- کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹۴؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۱ ح ۱۰.

فصل اول: سیره امام سجاد علیه السلام در سفر

اشاره

ص: ۱۷

(۱)

استخاره برای سفر

برای انجام کارهای مهم، استخاره سفارش شده است. استخاره خیره خواستن از خداوند است یعنی فرد از خدا می خواهد که آنچه خیر و خوبی او در آن است از سوی خداوند به وی نمایانده شود.

در جایی که کار مهمی برای شخص در پیش است و دو دلی و تشویش در میان است، استخاره انجام می شود. استخاره به صورت های گوناگون انجام می گیرد؛ یکی از صور آن خواندن دو رکعت نماز و خیر خواستن از خداوند است در سیره امام سجاد علیه السلام استخاره برای سفر حج و عمره گزارش شده است:

ص: ۱۸

عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا هَمَّ بِحَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ أَوْ بَيْعٍ أَوْ شِرَاءٍ أَوْ عِتْقٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ، تَطَهَّرَ ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ لِلِاسْتِخَارَةِ يَقْرَأُ فِيهِمَا بَعْدَ الْفَاتِحَةِ سُورَةَ الْحَشْرِ وَالرَّحْمَنِ ثُمَّ يَقْرَأُ بَعْدَهَا الْمُعَوِّذَيْنِ وَقَالَ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ يَفْعَلُ هَذَا فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا قَالَ بَعْدَ التَّسْلِيمِ وَهُوَ جَالِسٌ:

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ كَذَا وَكَذَا خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَأُخْرَتِي وَعَاجِلِ أَمْرِي وَأَجَلِهِ فَيَسِّرْهُ لِي عَلَى أَحْسَنِ الْوُجُوهِ وَأَكْمَلِهَا،
اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَ شَرًّا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَعَاجِلِ أَمْرِي وَأَجَلِهِ فَاصْرِفْهُ عَنِّي، رَبِّ اعْزِمْ لِي عَلَى رُشْدِي وَإِنْ كَرِهْتَهُ
نَفْسِي (١):

ص: ١٩

(١) - ١ مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٥٤٥ ح ١٨٨١ و ج ٢، ص ١٠٥ ح ٢٣٠٠؛ فتح الأبواب، ص ١٥٧ الباب السادس؛ بحار الأنوار، ج ٨٨، ص ٢٦٦ ح ٢٠. این استخاره در برخی نقل ها به گونه زیر آمده است که دعای پس از نماز تفاوت دارد. عن ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام قال: کان علی بن الحسین علیهما السلام اذا هم بحج او عمره، او عتق او شراء او بيع تطهر وصلى ركعتي الاستخاره وقرأ فيهما سورة (الرحمن) وسورة (الحشر) فاذا فرغ من الركعتين استخار الله مائتي مره ثم قرا قل هو الله احد والمعوذتين، ثم قال اللهم اني هممت بامر علمته فان كنت تعلم انه خير لي في ديني ودنياي وأخرتي فاقدره لي وان كنت تعلم انه شر لي في ديني ودنياي وأخرتي فاصرفه عني يا رب اعزم (هب) لي على رشدي وان كرهت ذلك او احبت نفسي، بسم الله الرحمن الرحيم ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله حسبي الله ونعم الوكيل، ثم يمضى ويعزم.

امام باقر علیه السلام فرمود: روش امام سجاد علیه السلام این بود که هرگاه تصمیم به سفر حج یا عمره می گرفت، یا می خواست چیزی بخرد و یا بفروشد، و یا بنده ای را آزاد کند یا کاری دیگر، وضو می گرفت و دو رکعت نماز برای استخاره می گزارد و در (هر) دو رکعت (پس از حمد) سوره حشر و سوره الرحمن می خواند.

سپس سوره قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را می خواند، در هر دو رکعت این کار را انجام می داد، پس از پایان نماز و دادن سلام در حالی که نشسته بود می گفت:

خداوندا اگر می دانی فلان و فلان کار برای دین و دنیا و آخرت من و اکنون و آینده من خیر است آن را برای من به بهترین و کامل ترین صورتها آسان گردان و خدایا اگر این کار برای دین و دنیا و اکنون و آینده من بد است آن را از من دور کن. خدایا بر آن چه هدایت من در آن است برایم تصمیم بگیر اگرچه خودم خوش نداشته باشم.

ص: ۲۰

(۲)

توشه سفر

توشه و آذوقه سفر به مناسبت هر سفری متفاوت است، امام سجاد علیه السلام در سفر حج و عمره برای برداشتن توشه، مراقب انجام دستورات الهی بود:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَجَهَّزَ إِلَى مَكَّةَ قَالَ لِأَهْلِهِ:

إِيَّاكُمْ أَنْ تَجْعَلُوا فِي زَادِنَا شَيْئاً مِنَ الطَّيِّبِ وَلَا الزَّعْفَرَانَ نَأْكُلُهُ أَوْ نُطْعِمُهُ (۱)؛

امام سجاد علیه السلام هنگامی که برای رفتن به مکه آماده می شد به خانواده اش می فرمود: مبادا در توشه ما چیزی از عطر و یا زعفران قرار دهید که آن را بخوریم و یا برای خوردن به دیگران بدهیم.

ص: ۲۱

(۱) - ۱ من لایحضره الفقیه: ج ۲، ص ۳۵۰ ح ۲۶۶۲.

(۳)

بهترین توشه ها

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَافَرَ إِلَى مَكَّةَ لِلْحَجِّ أَوْ الْعُمْرَةِ تَزَوَّدَ مِنْ أَطْيَبِ الزَّادِ مِنَ اللُّوزِ وَالسُّكَّرِ وَالسَّوِيقِ الْمُحَمَّضِ وَالْمُحَلَّى (۱)؛

امام سجاد علیه السلام هنگام مسافرت به مکه برای حج و عمره از بهترین توشه ها [مثل] بادام و شکر و کلوجه های سرخ شده و شیرین با خود برمی داشت.

ص: ۲۲

(۱) - ۱ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۸۲ باب الزاد في السفر؛ کافی، ج ۸، ص ۳۰۳ ح ۴۶۸؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۰ ح ۲ ب ۴۲ ابواب آداب السفر إلى الحج وغيره؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۳۹ ح ۱۸۷۱.

(۴)

خرید لوازم

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِقَهْرَمَانِهِ:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَشْتَرِيَ لِي مِنْ حَوَائِجِ الْحَجِّ شَيْئًا فَاشْتَرِ وَلَا تُمَاسِكِ (۱)؛

امام سجاد علیه السلام به مسئول انجام کارهایش می فرمود: هنگام خرید وسایل مورد نیاز حج برای من، خرید کن و چانه زن.

همچنین از امام باقر علیه السلام نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: لا تُمَاسِكِ فِي أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ فِي الْأَضْحِيَّةِ وَفِي الْكَفَنِ وَفِي الثَّمَنِ نَسَمِهِ وَفِي الْكِرِيِّ إِلَى مَكَّةَ (۲)؛

در خرید چهار چیز چانه زن؛ در خرید قربانی حج و خرید کفن و خرید بنده و کرایه برای رفتن به سوی مکه.

ص: ۲۳

(۱) - ۱ من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۷ ح ۳۷۴۷؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۶۵ ح ۱۹۶۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۳۵، ح ۱ ب ۴۶، ابواب آداب التجاره.

(۲) - ۲ من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۷ ح ۳۷۴۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۳۶ ح ۳ ب ۴۶ ابواب آداب التجاره.

(۵)

سوار شدن به وسیله نقلیه

عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَا قَرَأَ أَحَدٌ إِذَا أَنْزَلْنَاهُ حِينَ يَرْكَبُ دَابَّةً إِلَّا نَزَلَ مِنْهَا سَالِمًا مَغْفُورًا لَهُ وَلَقَارِئُهَا أَثْقَلُ عَلَى الدَّوَابِّ مِنَ الْحَدِيدِ (۱)؛

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: کسی که هنگام سوار شدن بر مرکب (وسیله نقلیه)، سوره انا انزلناه را بخواند، به سلامت و با بخشش گناهان از مرکب پیاده خواهد شد، و خواننده آن بر روی مرکب سنگین تر از آهن خواهد بود.

ص: ۲۴

(۱) - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۸۹ ح ۳ ب ۲۴، أبواب آداب السفر الی الحج و غیره؛ مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۱۹ ح ۱۸۰۷.

(۶)

حج با پای پیاده

علی بن الحسین علیه السلام: قال:

لَوْ حَجَّ رَجُلٌ مَاشِياً فَقَرَأَ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ مَا وَجَدَ اَلَّمَ الْمَشْيَ (۱)؛

کسی که پیاده حج به جا می آورد اگر سوره انا انزلناه را تلاوت کند درد پیاده روی را احساس نمی کند.

حَجَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مَاشِياً فَسَارَ عِشْرِينَ يَوْماً مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ (۲)؛

امام صادق علیه السلام فرمودند: امام سجّاد علیه السلام پیاده حج گزارد و از مدینه تا مکه را بیست روز پیمود.

ص: ۲۵

(۱) - مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۱۸ ح ۱۸۰۶.

(۲) - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۶ ح ۱۱ ب ۳۲ أبواب وجوب الحج و شرائطه.

(۷)

مرکب حج

اشاره

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لِابْنِهِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ: -

إِنِّي قَدْ حَجَجْتُ عَلَى نَاقَتِي هَذِهِ عِشْرِينَ حَجَّةً، فَلَمْ أَقْرَعِهَا بِسَوْطٍ قَرَعَهُ فَإِذَا نَفَقَتْ فَادْفِنْهَا، لَا يَأْكُلُ لَحْمَهَا السَّبَاعُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ كُلُّ بَعِيرٍ يُوقَفُ عَلَيْهِ مَوْقِفٌ عَرَفَهُ سَبْعَ حِجَجٍ إِلَّا جَعَلَهُ اللَّهُ مِنْ نَعْمِ الْجَنَّةِ وَبَارَكَ فِي نَسْلِهِ، فَلَمَّا نَفَقَتْ حَفَرَ لَهَا أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَدَفَنَهَا (١):

امام سجاد عليه السلام هنگام رحلت به فرزندشان امام باقر عليه السلام فرمودند: من بر این شتر خود بیست حج به جا آوردم، یک تازیانه هم به آن نزدم. هنگامی که مُرد آن را دفن کن تا گوشت او طعمه درندگان نشود، که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر شتری که هفت سال در عرفات بر آن وقوف شود خداوند او را از حیوانات بهشتی قرار داده و به نسل او برکت خواهد داد.

ص: ٢٦

(١) - وسائل الشیعه، ج ٨، ص ٣٩٥ ح ١ باب ٥١ ابواب احکام الدواب؛ ثواب الاعمال، ص ٧٤ باب نادر ح ١.

هنگامی که آن شتر مُرد، امام باقر علیه السلام برای آن گودالی حفر کرد و او را دفن نمود.

امام سجاد علیه السلام می فرمود: إِنَّ الْبَعِيرَ إِذَا حَجَّ عَلَيْهِ سَبْعَ حَجَّاتٍ صَيَّرَ مِنْ نَعْمِ الْجَنَّةِ (١)؛

همانا شتر هنگامی که هفت بار مرکب حج شود از حیوانات بهشتی گردد.

ص: ٢٧

(١) - مکارم الأخلاق، ج ١، ص ٥١٩ ح ١٨٠٧.

در راه سفر حج

(٨)

انتخاب همسفران

اشاره

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يُسَافِرُ إِلَّا مَعَ رِفْقَةٍ لَا يَعْرِفُونَهُ وَيَشْتَرِطُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَكُونَ مِنْ خُدَّامِ الرَّفْقَةِ فِيمَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ، فَسَافَرَ مَرَّةً مَعَ قَوْمٍ فَرَأَهُ رَجُلٌ فَعَرَفَهُ، فَقَالَ لَهُمْ: أَتَدْرُونَ مَنْ هَذَا؟ قَالُوا لَا. قَالَ: هَذَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَوَثَبُوا إِلَيْهِ فَقَبَّلُوا يَدَيْهِ وَرَجَلَيْهِ فَقَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَرَدْتَ أَنْ تُصَلِّينَا نَارَ جَهَنَّمَ، لَوْ بَدَرْتَ إِلَيْكَ مِنَّا يَدٌ أَوْ لِسَانٌ أَمَا كُنَّا قَدْ هَلَكْنَا آخِرَ الدَّهْرِ، فَمَا الَّذِي حَمَلَكَ عَلَيَّ هَذَا؟ فَقَالَ: إِنِّي كُنْتُ سَافِرْتُ مَرَّةً مَعَ قَوْمٍ يَعْرِفُونَنِي فَأَعْطَوْنِي بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا لَا أُسْتَحِقُّ، فَأَخَافُ أَنْ تُعْطُونِي مِثْلَ ذَلِكَ فَصَارَ كِتْمَانُ أَمْرِي أَحَبَّ إِلَيَّ (١)؛

ص: ٢٨

(١) - ١ وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٣١٥ ح ٢ باب ٤٦ أبواب آداب السفر الى الحج وغيره؛ عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ١٤٣ ح ١٣ باب السبب الذي من أجله قبل علي بن موسى الرضا عليه السلام ولايه العهد.

امام صادق عليه السلام فرمودند: امام سجاد عليه السلام فقط با کاروانی همراه می شد که او را شناسند، و با آنان قرار می گذاشت که در احتیاجات آن گروه، خدمتگذار آنان باشد. یک بار به همین صورت همراه گروهی مسافرت رفت، شخصی آن حضرت را دید و شناخت، به گروه گفت: این شخص را می شناسید؟ گفتند:

نه. گفت: این علی بن الحسین علیه السلام است، آنان از جای پریدند و دست و پای حضرت را بوسیدند و گفتند: فرزند پیامبر علیه السلام! می خواستی ما را به آتش جهنم بیفکنی؟ اگر از دست و زبان ما ناخواسته جسارتی سر می زد آیا ما تا آخر عمر هلاک نبودیم؟ چه چیز شما را بر این کار واداشت؟

امام سجاد علیه السلام فرمود: من یک بار با گروهی که مرا می شناختند همسفر شدم، آنان به سبب انتساب به پیامبر صلی الله علیه و آله لطف هایی در حق من کردند که مستحق آن نبودم، ترسیدم اینان نیز مانند آن الطاف را در حق من انجام دهند، بنابر این مخفی کردن نسب خود را بیشتر پسندیدم.

ص: ٢٩

معاشرت با همسفران

حالات آدمی در مسافرت با هنگام بودن در شهر و منزل تفاوت دارد، آمیختن با همسفران و انجام برخی کمکه‌ها در مسافرت پسندیده تر است، هم چنین خوش طبعی، شوخی های مُجاز و... گرچه این موارد در غیر مسافرت هم نیکوست.

در سفر، گاه به سبب خستگی و یا برخی اتفاقات ممکن است میان همسفران کشمکش هایی پیش آید، به همین سبب برخی از سخنان امام سجاد علیه السلام دربارهٔ معاشرت با دوستان و همسفران در این بخش ذکر می گردد:

(۹)

گذشت

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (۱) »

قَالَ: الْعَفْوُ مِنْ غَيْرِ عِتَابٍ (۲)؛

امام سجاد علیه السلام در توضیح آیه (گذشت کن، گذشتی زیبا) فرمودند: یعنی بخشیدن بدون ملامت و عتاب.

ص: ۳۰

(۱) - ۱- حجر، ۸۵.

(۲) - ۲- امالی صدوق، ص ۲۷۶ ح ۱۴ مجلس الرابع و الخمسون؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۱۹ ح ۷ باب ۱۱۲ ابواب احکام العشره.

(۱۰)

بردباری

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مِنْ أَحَبِّ السَّبِيلِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ جُرْعَتَانِ، جُرْعَةٌ غَيِظٌ تَرُدُّهَا بِحِلْمٍ وَجُرْعَةٌ مُصِيبَةٌ تَرُدُّهَا بِصَبْرٍ (۱)؛

امام سجاد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل فرمود: از دوست داشتنی ترین راهها به سوی خداوند، (نوشیدن) دو جرعه است؛ جرعه خشمی که آن را با بردباری برطرف نمایی، و جرعه مصیبتی که آن را با شکیبایی رد کنی.

(۱۱)

زیبا سخن گفتن

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْقَوْلُ الْحَسَنُ يُثْرِي الْمَالَ وَيُنِمِّي الرِّزْقَ وَيُنْسَأُ فِي الْأَجْلِ وَيُحَبِّبُ إِلَى الْأَهْلِ وَيُدْخِلُ الْجَنَّةَ (۲)؛

امام سجاد علیه السلام فرمودند: نیکو سخن گفتن، دارایی را زیاد می کند و روزی را وسعت می دهد و مرگ را به تأخیر می اندازد و انسان را نزد اهل و عیال محبوب می نماید و به بهشت داخل می کند.

ص: ۳۱

(۱) - ۱- کافی، ج ۲، ص ۱۱۰، ح ۹ باب کظم الغیظ؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۲۳ ح ۴ باب ۱۱۴ ابواب احکام العشره.

(۲) - ۲- خصال، ص ۳۱۷ ح ۱۰۰؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۳۰ ح ۱۶ باب ۱۱۷ ابواب احکام العشره.

ص: ۳۲

فصل دوم: فضیلت ها و پاداشهای حج

اشاره

ص: ۳۳

(۱۲)

آثار حج و عمره

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

حَجُّوا وَعَتَمِرُوا، تَصِحُّ أَبْدَانُكُمْ وَتَتَّسِعُ أَرْزَاقُكُمْ وَتُكْفَوْنَ مَثُونَاتِ عِيَالِكُمْ (۱)؛

امام علی بن الحسین علیه السلام فرمودند: حج و عمره بجا آورید که بدن هایتان سلامت و روزی های شما گشاده می گردد، و مخارج افراد تحت تکفل شما تأمین خواهد شد.

ص: ۳۴

(۱۱) - ۱ ثواب الأعمال؛ ص ۷۰ ح ۳ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۹ ح ۲۰ ابواب وجوب الحج و شرائطه، این روایت به صورت دیگری نیز ذکر شده است: کان علی بن الحسین علیهما السلام یقول: حَجُّوا وَعَتَمِرُوا تَصِحُّ أَجْسَامُكُمْ، وَتَتَّسِعُ أَرْزَاقُكُمْ وَیَصِلُحُ إِیْمَانُكُمْ، وَتُكْفَوْنَ مَوْنَهُ النَّاسِ وَمَوْنَهُ عِيَالَتِكُمْ؛ امام سجاد علیه السلام می فرمود: حج و عمره بجا آورید که بدن های شما سالم، و روزی های شما گشاده، و ایمان شما اصلاح می گردد و مخارج افراد تحت تکفل شما تأمین و از مردم بی نیاز خواهید شد.

(۱۳)

حج و بخشش گناهان

قال علی بن الحسین علیه السلام

: الْحَاجُّ مَغْفُورٌ لَهُ وَمَوْجُوبٌ لَهُ الْجَنَّةُ وَمُسْتَأْنَفٌ لَهُ الْعَمَلُ وَمَحْفُوظٌ فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ (۱)؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: گناهان حج گزار بخشیده و بهشت بر او واجب می شود، و عمل او از سر گرفته می شود (نامه اعمال بد او پاک می شود و از نو باید شروع کند) و خانواده و اموال او محافظت می گردد.

ص: ۳۵

(۱۱) - ۱ کافی، ج ۴، ص ۲۵۲ ذیل ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵ ذیل ح ۷ باب ۱ ابواب وجوب الحج و شرائطه. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: سافروا تصحوا وجاهدوا تغنموا و حجوا تستغنوا؛ مسافرت کنید سالم می مانید و جهاد کنید غنیمت بدست می آورید و حج به جا آورید بی نیاز می شوید.

(۱۴)

پاداش حج گزار

قَدِمَ رَجُلٌ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: قَدِمْتُ حَاجًّا فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ:

أَتَدْرِي مَا لِلْحَاجِّ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: مَنْ قَدِمَ حَاجًّا وَطَافَ بِالْبَيْتِ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ سَبْعِينَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ دَرَجَةٍ وَشَفَعَهُ فِي سَبْعِينَ أَلْفَ حَاجِّهِ وَكَتَبَ لَهُ عِتْقَ سَبْعِينَ أَلْفَ رَقَبَةٍ قِيمَةُ كُلِّ رَقَبَةٍ عَشْرَةُ أَلْفِ دِرْهَمٍ (١)؛

شخصی بر امام علی بن الحسین علیهما السلام وارد شد؛ امام علیه السلام به او فرمود: از حج آمده ای؟ گفت: بله، فرمود: می دانی حج گزار چه پاداشی دارد؟ گفت: نه. فرمود: کسی که برای حج وارد مکه شود و به دور کعبه طواف کند و دو رکعت نماز بخواند، خداوند برای او هفتاد هزار حسنه می نویسد و هفتاد هزار گناه از او پاک می کند، و هفتاد هزار درجه او را بالا می برد، و وساطت او را در مورد هفتاد هزار حاجت، می پذیرد و پاداش آزاد کردن هفتاد هزار برده را که قیمت هر کدام ده هزار درهم است برای او می نویسد.

ص: ۳۶

(۱) - (۱) - کافی، ج ۴، ص ۴۱۱ باب فضل الطواف؛ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۹ باب ۲ ح ۲۲ وجوب الحج وفضله وعقاب ترکه.

(۱۵)

اخلاص در انجام حج

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ حَجَّ يُرِيدُ بِهِ وَجَهَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا يُرِيدُ بِهِ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الْبَتَّةَ (١)؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که حج را برای خدا انجام دهد و در اندیشه ریا و شهرت نباشد، البته خداوند او را می آمرزد.

(۱۶)

فضیلت شهر مکه

قالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

الطَّاعِمُ بِمَكَّةَ كَالصَّائِمِ فِيهَا سِوَاهَا وَالْمَاشِي بِمَكَّةَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (٢)؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که در مکه غذا می خورد - و روزه نیست - مانند کسی است که در دیگر شهرها روزه دار است، و کسی که در مکه راه می رود در حال عبادت خداوند است.

ص: ٣٧

(١) - ١ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢١٩ باب فضائل الحج، ح ٢٢٢٣.

(٢) - ٢ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢٢٧ باب فضائل الحج ضمن ح ٢٢٦١؛ وسائل الشیعه، ج ٩، ص ٣٤٠ ح ١ ب ١٥ ابواب مقدمات الطواف وما يتبعها.

(١٧)

نماز در مکه

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ صَلَّى بِمَكَّةَ سَبْعِينَ رَكْعَةً فَقَرَأَ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَإِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَأَيُّهُ الشُّخْرَةُ وَأَيُّهُ الْكُرْسِيُّ لَمْ يَمُتْ إِلَّا شَهِيداً، وَالطَّاعِمُ بِمَكَّةَ كَالصَّائِمِ فِيهَا سِوَاهَا وَصِيَامُ يَوْمٍ بِمَكَّةَ يَعْدِلُ صِيَامَ سَنَةٍ فِيهَا سِوَاهَا وَالْمَاشِي بِمَكَّةَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ (١)؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که در شهر مکه هفتاد رکعت نماز گزارد و در هر رکعت قل هو الله احد و انا انزلناه و آیه شخره (٢) و آیه الکرسی را قرائت کند، شهید از دنیا رود، و کسی که در مکه روزه نباشد، مانند روزه دار در دیگر شهرهاست و یک روز روزه در مکه، پاداش یک سال روزه در دیگر شهرها را دارد و کسی که در مکه راه می رود در حال عبادت خداست.

ص: ٣٨

(۱) - ۱ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۲۷ باب فضائل الحج ح ۲۲۶۱؛ وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۳۴۰ ح ۲ ب ۱۵ ابواب مقدمات الطواف وما يتبعها.
(۲) - آیه سخره: آیات ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ سورة مائده است.

(۱۸)

تسبیح در مکه

قالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

تَسْبِيحُهُ بِمَكَّةَ أَفْضَلُ مِنْ خَرَجِ الْعِرَاقَيْنِ يُنْفَقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۱)؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: یک تسبیح (سبحان الله) در مکه، از مالیات عراقین (۲) که در راه خداوند انفاق شود برتر است.

(۱۹)

ختم قرآن در مکه

قالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ بِمَكَّةَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيَرَى مَنْزِلَهُ فِي الْجَنَّةِ (۳)؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که قرآن را در مکه ختم نماید نمی میرد تا رسول خدا صلی الله علیه و آله و جایگاه خویش را در بهشت ببیند.

ص: ۳۹

(۱) - ۱ وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۳۸۲ ح ۱ باب ۴۵ از ابواب مقدمات الطواف وما يتبعها؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۲۷ باب فضائل الحج ح ۲۲۵۸؛ تهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۴۶۸ باب من الزيادات في فقه الحج صدر ح ۲۸۶؛ جامع الاخبار، ص ۱۷۶، ح ۴۲۰.

(۲) - ۲ منظور از عراقین بصره و کوفه است. (لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۴۸)

(۳) - تهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۴۶۸ باب من الزيادات في فقه الحج ذيل ح ۲۸۶؛ جامع الأخبار، ص ۱۷۶ الفصل الثاني والثلاثون ح ۴۲۱.

(۲۰)

خواب در مکه

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

التَّائِمُ بِمَكَّةَ كَالْمُتَشَحِّطِ فِي الْبُلْدَانِ (۱)؛

امام سجاد عليه السلام می فرمود: شخص خوابیده در مکه مانند کسی است که در شهرهای دیگر در راه خدا در خون خود غلطیده باشد.

(۲۱)

فضیلت حرم و احترام آن

قِيلَ لِلزُّهْرِيِّ مَنْ أَرَهَدُ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا؟ قَالَ: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ كَانَ، وَقَدْ قِيلَ لَهُ - فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ مِنَ الْمُنَازَعَةِ فِي صَدَقَاتِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ -: لَوْ رَكِبْتَ إِلَى الْوَلِيدِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ رَكْبَةً لَكَشَفَ عَنْكَ مِنْ غُرِّ شَرِّهِ وَمِيلِهِ عَلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ، فَإِنَّ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ خُلَّةٌ. قَالَ: وَكَانَ هُوَ بِمَكَّةَ وَالْوَلِيدُ بِهَا، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

وَيَحْكُ أَفِي حَرَمِ اللَّهِ أَسْأَلَ غَيْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ إِنْ أَنْفَ أَنْ أَسْأَلَ الدُّنْيَا خَالِقَهَا، فَكَيْفَ أَسْأَلَ مَخْلُوقاً مِثْلِي؟ وَقَالَ الزُّهْرِيُّ: لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَلْقَى هَيْبَتَهُ فِي قَلْبِ الْوَلِيدِ حَتَّى حَكَمَ لَهُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ (۲)؛

ص: ۴۰

(۱) - ۱ محاسن، ج ۱، ص ۱۴۴ ح ۱۴۶ (۱۹۷)؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۸۳ ح ۶ ب ۴۵ ابواب مقدمات الطواف وما يتبعها؛ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۸۲ باب فضل مکه وأسمائها وعللها ح ۳۵.

(۲) - ۲ علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۳۰ ح ۳ باب العله التي من أجلها سمى على بن الحسين زين العابدين؛ بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۷۵ باب أحوال أولاده؛ ج ۴۶ ص ۶۳ باب مكارم أخلاقه وعلمه.

از زهری سؤال شد، پارساترین مردم در دنیا کیست؟ او پاسخ داد: علی بن الحسین علیه السلام هر جا باشد. در رابطه با کشمکشی که بر سر صدقات علی بن ابی طالب میان او و محمد بن حنفیه بود، به آن حضرت گفتند: اگر یک بار نزد ولید می رفتی از شر آشکار خود نسبت به شما و تمایل او به محمد و ضدیتش با شما دست بر می داشت، زیرا میان او و محمد دوستی ویژه هست. زهری گفت امام علیه السلام - که در مکه بود و ولید هم در مکه - فرمود: وای بر تو! آیا در حرم الهی از غیر خدا چیزی درخواست نمایم؟ من از اینکه دنیا را از آفریننده اش درخواست کنم خودداری می کنم، آنگاه چگونه آن را از مخلوقی مانند خود درخواست نمایم؟ زهری گوید: ناگزیر خداوند عزّ وجلّ هیبت آن حضرت علیه السلام را در دل ولید افکند و او به نفع امام علیه السلام و بر علیه محمد حنفیه حکم صادر نمود.

ص: ۴۱

(۲۲)

فضیلت سعی

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

السَّاعِي بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرَوَةِ تَشْفَعُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ فَتَشْفَعُ فِيهِ بِالْإِيجَابِ (۱)؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: برای سعی کننده میان صفا و مروه، فرشتگان شفاعت می کنند، و درباره او این شفاعت پذیرفته می شود.

ص: ۴۲

(۱) - ۱ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۰۸ باب فضائل الحج ح ۲۱۷۰؛ وسائل الشيعه، ج ۹، ص ۵۱۲ ح ۹ ب ۱ ابواب السعي.

(۲۳)

فضیلت شام عرفه

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ إِذَا كَانَ عَشِيَّتُهُ عَرَفَهُ، بَرَزَ اللَّهُ فِي مَلَائِكَتِهِ إِلَى سَمَاءِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَقُولُ: انظُرُوا إِلَيَّ عِبَادِي، أَتُونِي شُغْتًا غُبْرًا، أَرْسَلْتُ إِلَيْهِمْ رَسُولًا مِنْ وَرَاءِ وَرَاءِ، فَسَأَلُونِي وَدَعَوْنِي أَشْهَدُكُمْ أَنَّهُ حَقٌّ عَلَيَّ أَنْ أُجِيبَهُمْ، الْيَوْمَ قَدْ شَفَعْتُ مُحْسِنَهُمْ فِي مُسِيئَتِهِمْ وَقَدْ تَقَبَّلْتُ مِنْ مُحْسِنِهِمْ فَأَفِيضُوا مَغْفُورًا لَكُمْ، ثُمَّ يَأْمُرُ مَلَائِكَةَ فَيَقُومَانِ بِالْمَأْزَمِينَ هَذَا مِنْ هَذَا الْجَانِبِ وَهَذَا مِنْ هَذَا الْجَانِبِ، فَيَقُولَانِ اللَّهُمَّ سَلِّمْ وَسَلِّمْ، فَمَا يَكَادُ يُرَى مِنْ صَرِيحٍ وَلَا كَسِيرٍ (١)؛

ص: ٤٣

(١) - وسائل الشيعة، ج ١٠، ص ٢٥ ح ١٢ ب ١٩ ابواب احرام الحج والوقوف بعرفة؛ بحار الانوار، ج ٩٦، ص ٢٥٤ باب ٤٧ ح ٢٣؛ روضه الواعظين، ج ٢، ص ٣٦٠ مجلس في ذكر فضائل الحج و....

امام سجاد عليه السلام فرمود: آیا نمی دانی، شام عرفه خداوند در میان فرشتگان به آسمان دنیا جلوه گری می کند و می فرماید: به بندگانم بنگرید ژولیده و غبار آلوده نزد من آمده اند. پی در پی فرستاده ای دنبال آنها فرستادم، اینک از من درخواست کردند و مرا خواندند، شما را شاهد می گیرم، بر من است که آنان را پاسخ گویم. امروز من نیکوکار آنان را شفیع گنهارشان قرار دادم، و عمل نیکوکار آنان را پذیرفتم، پس آمرزیده از این مکان کوچ کنید. سپس خداوند دو فرشته را مأمور می کند تا بر مازمین (١)، هر یک بر جانبی بایستند، آن دو می گویند؛ خداوند سلامت بدار سلامت بدار، برای همین [در میان آن جمعیت] شکسته عضو و افتاده ای یافت نمی شود.

همچنین درباره فضیلت و عظمت روز عرفه نقل شده است:

نَظَرَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ إِلَى رِجَالٍ يَسْأَلُونَ النَّاسَ فَقَالَ: هُوَ لَأَشْرَأُ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ النَّاسَ مُقْبِلُونَ عَلَى اللَّهِ وَهُمْ مُقْبِلُونَ عَلَى النَّاسِ (٢)؛

ص: ٤٤

(١) - ١- مآزم: راه باریک، مآزمین دو راه باریکی است که بر سر راه حجاج از عرفات به منی قرار گرفته است.

(٢) - ٢- عدّه الداعی، ٩٩؛ بحار الانوار، ج ٩٦، ص ٢٦١ باب ٤٧ الوقوف بعرفات وفضله وعله ح ٤٠.

در روز عرفه نگاه امام سجاد به عده ای افتاد که در حال گدایی بودند. آن حضرت فرمود: اینان بدترین مخلوقات خدایند؛ مردم رو به طرف خدا کرده اند و اینان به سوی مردم رو آورده اند.

سَمِعَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ سَائِلًا يَسْأَلُ النَّاسَ، فَقَالَ لَهُ: وَيْحَكَ أَغَيَّرَ اللَّهُ تَسْأَلُ فِي هَذَا الْيَوْمِ؟ إِنَّهُ لَيُرْجَى لِمَا فِي بُطُونِ الْحُبَالَى فِي هَذَا الْيَوْمِ أَنْ يَكُونَ سَعِيداً (۱)؛

امام سجاد علیه السلام در روز عرفه شنید که گدایی، از مردم درخواست می کند، فرمود: وای بر تو آیا در این روز از غیر خدا درخواست می کنی؟ امروز روزی است که در آن امید است جنین های در شکم سعادتمند شوند.

ص: ۴۵

(۱) - ۱ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۱۱ باب فضائل الحج ح ۲۱۸۴؛ وسائل الشيعه، ج ۹، ص ۲۸ ح ۱ باب ۲۱ ابواب حج و وقوف لعرفه؛ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۵۲ باب ۴۷ الوقوف بعرفات وفضله وعلله ح ۹.

(۲۴)

بزرگداشت حج گزاران

عن الصادق عليه السلام قال: كان علي بن الحسين عليهما السلام يقول:

يا معشر من لم يحج! استبشروا بالحج وصابحوهم وعظموهم فإن ذلك يجب عليكم تشاركوهم في الأجر (۱)؛

امام صادق علیه السلام فرمود: امام علی بن الحسین علیه السلام می فرمود:

ای گروهی که حج بجا نیاورده اید به [آمدن] حجاج شاد باشید و با آنان دست دهید و آنان را بزرگ دارید که این بر شما واجب است و با آنان در پاداش شریک خواهید شد.

ص: ۴۶

(۱) - ۱ کافی، ج ۴ ص ۲۶۴ باب فضل الحج والعمرة و ثوابهما ح ۴۸؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲ ص ۲۲۸ باب فضائل الحج ح ۲۲۶۶؛ وسائل الشيعه، ج ۸، ص ۳۲۷ ح ۲ ب ۵۵ ابواب آداب السفر إلى الحج.

(۲۵)

دیدار حجاج

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

بَادِرُوا بِالسَّلَامِ عَلَى الْحَاجِّ وَالْمُعْتَمِرِ وَمُصَافِحَتِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُخَالِطَهُمُ الذُّنُوبُ (١)؛

امام سجاد علیه السلام می فرمود: در سلام کردن (و رفتن به دیدار) حجاج و عمره گزاران سبقت گیرید پیش از آنکه به گناهان آلوده شوند.

ص: ٤٧

(١) - ١ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢٢٨ باب فضائل الحج ح ٢٢٦٧؛ وسائل الشيعه، ج ٨، ص ٣٢٧ ح ١ ب ٥٥ ابواب آداب السفر الى الحج وغيره؛ ج ١١، ص ٤٤٥، باب استحباب المبادره بالسلام ح ١٥٢١٨؛ بحار الانوار، ج ٩٦، ص ٣٨٦ ح ١٤.

(٢٦)

رسیدگی به خانواده حج گزار

از مسائلی که در رابطه با حج گزاران مورد توصیه و سفارش قرار گرفته است؛ مراقبت از خانواده حج گزار و رسیدگی به امور آنان است که این کار علاوه بر دارا بودن پاداش رسیدگی به کار یک مؤمن، سبب آسودگی خاطر حج گزار خواهد بود.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ خَلَّفَ حَاجًّا فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ كَانَ لَهُ كَأَجْرِهِ حَتَّىٰ كَأَنَّهُ يَسْتَلِمُ الْأَحْجَارَ (١)؛

هر کس مراقب خانواده و دارایی حج گزار باشد پاداشی همانند حج گزار دارد به طوری که گویا سنگ های خانه خدا را استلام می کند.

ص: ٤٨

(۱) - محاسن، ج ۱، ص ۱۴۷ ح ۱۵۵؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۵ ح ۱ باب ۴۷ ابواب آداب السفر الی الحج؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۸ باب فضائل الحج ح ۲۲۶۵؛ بحار الانوار، ج ۹۶ ص ۳۸۷ باب من خلف حاجاً فی أهله ح ۱.

فصل سوم: احکام حج در سخنان امام علیه السلام

اشاره

ص: ۴۹

برای انجام هر عمل عبادی علاوه بر اخلاص در عمل که اساس عمل است، قوانین و احکامی باید مد نظر قرار گیرد تا عمل مطابق دستور الهی انجام شود، حج و عمره نیز همین گونه است، احادیث ارائه شده در این بخش ناظر به احکام فقهی است.

لازم به یادآوری است برای استفاده و عمل به احکام گوناگون حج و عمره هر مقلد به رساله و مناسک مرجع تقلید خود مراجعه می نماید.

(۲۷)

انجام قربانی کودک

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَضَعُ السَّكِّينَ فِي يَدِ الصَّبِيِّ ثُمَّ يَقْبِضُ عَلَى يَدَيْهِ الرَّجُلُ فَيَذْبِحُ (۱)؛

امام سجاد علیه السلام (هنگام ذبح برای کودکان) چاقو را در دست کودک قرار می داد سپس ذابح دستان کودک را می گرفت و ذبح می کرد.

ص: ۵۰

(۱) - کافی، ج ۴، ص ۳۰۴ ضمن ح ۴، باب حج الصبیان والممالیک؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۰۸ ح ۴ باب ۱۷ ابواب اقسام الحج.

(۲۸)

دفن موی در منا

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْفِنُ شَعْرَهُ فِي فُسْطَاطِهِ بِمِنَى (۱)؛

امام سجاد علیه السلام موی خود را در خیمه خود در منی دفن می کرد.

لازم به ذکر است: مستحب است حاجی پس از حلق، موی خود را در منا دفن کند.

ص: ۵۱

(۱) - (۱) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۴ ح ۵ باب ۶ ابواب الحلق والتقصیر؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۲۴۲ ح ۸.

(۲۹)

رمی جمره

عَنْ عَنَبَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ قَالَ رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِنَى يَمْشِي وَيَرْكَبُ فَحَدَّثْتُ نَفْسِي أَنْ أَسْأَلَهُ حِينَ أُدْخَلُ عَلَيْهِ فَبَتَدَائِي هُوَ بِالْحَدِيثِ فَقَالَ:

إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ مَاشِيًا إِذَا رَمَى الْجِمَارَ وَمَنْزِلِي الْيَوْمَ أَنْفُسٌ مِنْ مَنْزِلِهِ فَأَرْكَبُ حَتَّى آتِيَ مَنْزِلَهُ فَإِذَا انْتَهَيْتُ إِلَى مَنْزِلِهِ مَشَيْتُ حَتَّى أَرْمِيَ الْجَمْرَةَ (۱)؛

عنبد بن مصعب گوید: امام صادق علیه السلام را در منی دیدم که مقداری را پیاده می رفت و مقداری را سوار می شد، با خود گفتم: وقتی خدمتش شرفیاب شدم در این باره سؤال کنم [هنگام شرفیابی] حضرت ابتداءً خود شروع به سخن کرده و فرمود: وقتی علی بن الحسین علیهما السلام برای رمی جمرات بیرون می آمد پیاده می رفت، و منزل من امروز از آن حضرت دورتر است. من سوار می شوم تا به جای منزل آن حضرت برسم از آن جا پیاده می روم و رمی می کنم.

ص: ۵۲

(۱) - (۱) کافی، ج ۴، ص ۴۸۵، ح ۳ باب الرمی عن العلیل والصبيان؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۷۴ ح ۲ ب ۹ ابواب

رمی جمره عقبه؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۲۶۷ ح ۲۶.

فدية نجات از دوزخ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ لَهُ:

إِذَا ذَبَحَ الْحَاجُّ كَانَ فِدَاهُ مِنَ النَّارِ (۱)؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: وقتی حاجی قربانی می کند، فدیة او در برابر آتش جهنم است.

ضمیمه

کفارة صید

عن الزُّهْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

صَوْمُ جَزَاءِ الصَّيْدِ وَاجِبٌ، قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بِالْغُلَبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا» (۲)»

أَوْ تَدْرِي كَيْفَ يَكُونُ عَدْلٌ

ذَلِكَ صِيَامًا يَا زُهْرِيُّ؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: يُقَوَّمُ الصَّيْدُ ثُمَّ تُفَضُّ تِلْكَ الْقِيَمَةُ عَلَى الْبُرِّ ثُمَّ يُكَالُ ذَلِكَ الْبُرُّ أَصْوَاعًا فَيَصُومُ لِكُلِّ نِصْفِ صَاعٍ يَوْمًا الْخَبْرُ (۳)؛

ص: ۵۳

(۱) - ۱ محاسن، ج ۱، ص ۱۴۲ ح ۱۳۹. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۸۸ ح ۵۸.

(۲) - ۲ مائده: ۹۵.

(۳) - ۳ کافی، ج ۴، ص ۸۳ باب وجوه الصوم ضمن ح ۱ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۷۷ باب وجوه الصوم ضمن ح ۱۷۸۶؛ تفسير العياشي، ج ۱، ص ۳۴۴ ح ۲۰۱؛ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۵۹ ح ۱ باب أنواع الصوم وأقسامه؛ ج ۹۶، ص ۱۵۰ ح ۸ باب الصيد وأحكامه و ص ۱۵۷ ح ۴۹.

امام سجاد علیه السلام فرمود: روزه کفارة صید واجب است.

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «و هر کس از شما عمداً شکار را به قتل رساند باید کفاره ای معادل آن، از چهارپایان، بدهد (کفاره ای) که دو نفر عادل از شما؛ معادل بودن آن را تصدیق کنند و به صورت قربانی به (حریم) کعبه برسد؛ یا (به جای قربانی) به مستمندان غذا دهد یا معادل آن را روزه بگیرد». زهری! می دانی روزه گرفتن معادل آن چگونه است؟ گفتیم: نه. فرمود: شکار را قیمت گذاری می کنند سپس قیمت آن را بر گندم تقسیم می کنند، و آن مقدار گندم را صاع صاع پیمانه می کنند و برای هر نصف صاع یک روز روزه می گیرند....

(۳۱)

شیوه طواف

رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمْشِي وَلَا يَرْمُلُ (۱)؛

شخصی گوید: امام سجاد علیه السلام را مشاهده کردم که (در طواف) راه می رفت و از رمل (۲) پرهیز می کرد.

ص: ۵۴

(۱) - وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۹؛ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۵۳ باب ۶۳ ما یجب فی الحج وما یحدث.

(۲) - رمل، راه رفتنی شبیه دویدن است که شانه ها تکان می خورد.

(۳۲)

نگاه به کعبه هنگام نماز

کان علی بن الحسین علیهما السلام یقول:

یَوْمَ عَرَفَةَ یَوْمٌ لَا یَسْأَلُ فِیهِ أَحَدٌ، أَحَدًا إِلَّا اللّٰهَ وَقَالَ: إِذَا أَحْرَمَ الرَّجُلُ فَنَادَاهُ الرَّجُلُ فَلَا یُجِیْبُهُ بِالتَّلْبِیَةِ؛ لِأَنَّهُ قَدْ أَجَابَ اللّٰهَ بِالتَّلْبِیَةِ فِی الْإِحْرَامِ. وَإِذَا صَلَّى الرَّجُلُ فِی الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، كَانَ أَفْضَلَ خُشُوعِهِ أَنْ یَنْظُرَ إِلَى الْكَعْبَةِ، وَإِذَا صَلَّى فِی غَیْرِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، كَانَ أَفْضَلَ خُشُوعِهِ أَنْ یَنْظُرَ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِهِ، وَإِذَا كَانَ مُقَابِلَ الْكَعْبَةِ، لَمْ یَجْزْ لَهُ أَنْ یَحْتَبِیَ وَهُوَ نَاطِقٌ إِلَيْهَا (۱)؛

امام سجاد علیه السلام می فرمود: روز عرفه هیچکس از کسی جز خدا درخواست نکند، و فرمود: هنگامی که شخص احرام بست و دیگری او را صدا زد با تلبیه پاسخ او را نگوید، زیرا در احرام بوسیله تلبیه خدا را پاسخ گفته است و هنگامی

که شخص در مسجد الحرام نماز می خواند، بهترین خشوع آن است که به کعبه بنگرد و اگر در غیر مسجد الحرام نماز می گزارد بهترین خشوع آن است که به محلّ سجده اش نگاه کند و هنگامی که مقابل کعبه است شایسته نیست در حالی که به کعبه نگاه می کند زانوهای را به شکم بچسباند و بنشیند.

ص: ۵۵

(۱) - الأُصول الستة عشر من الأُصول الأوّلیه، ص ۱۲۳، نوادر علی بن أسباط.

ص: ۵۶

فصل چهارم: اسرار اعمال و دعاها

اشاره

ص: ۵۷

از سخنان معصومین علیهم السلام استفاده می شود تشریح اعمال و حرکات و اذکار در عبادات هر کدام به سببی است، و در پس صورت ظاهری آن ها؛ که باید کامل و به صورت صحیح انجام شود، واقعیتی نهفته است و هر عمل دارای تأثیری ویژه در زندگی انسانها می باشد، برخی از روایات در بردارنده سؤالاتی درباره سبب تشریح احکام است.

بزرگان؛ بیان این اسرار را از قبیل حکمت تشریح - نه علت آن - می دانند.

در این فصل برخی روایات نقل شده از امام سجاد علیه السلام درباره اسرار اعمال حج آورده شده است؛

ص: ۵۸

(۳۳)

حق حج

در رساله حقوق از امام سجاد علیه السلام درباره حج آمده است:

وَحَقُّ الْحَجِّ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ وَفَادَهُ إِلَى رَبِّكَ وَفِرَائِزُ إِلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِكَ وَفِيهِ قَبُولُ تَوْبَتِكَ وَقَضَاءُ الْفَرَضِ الَّذِي أَوْجَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْكَ (۱)؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: حق حج آن است که بدانی حج وارد شدن بر پروردگارت و فرار از گناهانت به سوی او است. و در حج توبه ات پذیرفته می شود و واجبی را که خداوند بر عهده تو گذارده است به جا می آوری.

ص: ۵۹

(۱) - ۱ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۰ ضمن ح ۳۲۱۷، باب الحقوق؛ خصال، ص ۵۶۶ باب الخمسين وما فوقه ضمن ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۴ باب ۱ جوامع الحقوق ح ۱.

(۳۴)

هفت دور طواف

عن أبي حمزة الثمالي عن علي بن الحسين عليه السلام قال: قلت لأبي عليّ صار الطواف سبعة أشواط؟ فقال:

إنَّ الله قالَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً، فَرَدُّوا عَلَيْهِ وَقَالُوا: أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ؟ فَقَالَ: إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ. وَكَانَ لَا يَحْجُبُهُمْ عَنْ نُورِهِ، فَحَجَّبَهُمْ عَنْ نُورِهِ سَبْعَةَ أَلْفِ عَامٍ. فَلَاذُوا بِالْعَرْشِ سَبْعَةَ أَلْفِ سَنَةٍ، فَرَحِمَهُمْ وَتَابَ عَلَيْهِمْ، وَجَعَلَ لَهُمُ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ وَجَعَلَهُ مَثَابَةً وَجَعَلَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ تَحْتَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَجَعَلَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا، فَصَارَ الطَّوْفُ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ وَاجِبًا عَلَى الْعِبَادِ لِكُلِّ أَلْفٍ سَنَةٍ شَوْطًا وَاحِدًا (۱)؛

ص: ۶۰

(۱) - ۱ وسائل الشيعه، ج ۹، ص ۴۱۴ ح ۲ ب ۱۹ ابواب الطواف؛ علل الشرائع، ص ۴۰۶ باب ۱۴۳ العله التي من أجلها صار الطواف سبعة اشواط ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۱۱ ص ۱۱۰ باب ۱ فضل آدم و حواء و بعض أحوالهما ح ۲۵؛ ج ۹۶، ص ۲۰۱ باب ۳۶ علل الطواف وفضله وأنواعه ح ۶.

ابی حمزه ثمالی گوید از امام سجاد علیه السلام پرسیدم چرا طواف هفت دور [قرار داده] شد؟ امام علیه السلام فرمود: خداوند متعال به فرشتگان فرمود: من در زمین جانشین قرار می دهم، آنان اعتراض کرده و گفتند: آیا کسی را که در زمین فساد و خونریزی می کند (خلیفه) قرار می دهی؟ خداوند فرمود: من چیزی می دانم که شما نمی دانید؛ و نور

خود را هفت هزار سال از آنان پنهان داشت، حال آنکه پیش از آن، نورش را از فرشتگان نمی پوشانید، فرشتگان هفت هزار سال به عرش پناه بردند تا خداوند آنان را مورد رحمت قرار داد و توبه آنان را پذیرفت، و بیت المعمور را در آسمان چهارم برایشان قرار داد و آن را محل بازگشت قرار داد. و بیت الحرام (کعبه) را زیر بیت المعمور [محاذاً آن] قرار داد و آن را برای مردم محل بازگشت و مکانی ایمن قرار داد، بدین سبب طواف بر مردمان هفت دور، برای هر هزار سال یک دور، واجب گردید.

ص: ۶۱

(۳۵)

تفسیر دعای ابراهیم

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ قَوْلُ إِبْرَاهِيمَ: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ»
إِنَّا عَنْكَ بِذَلِكَ وَأَوْلِيَاءُ وَشَيْعَةٌ وَصِيَّةٌ قَالَ: «وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتَعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱)»
قَالَ: عَنِّي بِذَلِكَ مَنْ

جَحَدَ وَصِيَّتَهُ وَلَمْ يَتَّبِعْهُ مِنْ أُمَّتِهِ وَكَذَلِكَ وَاللَّهِ قَالَ هَذِهِ الْآيَةُ

وَكَذَلِكَ وَاللَّهِ حَالُ هَذِهِ الْأُمَّةِ (۲)؛

از امام سجاد علیه السلام نقل شده است: منظور ابراهیم از این سخن «پروردگارا این شهر را ایمن قرار ده و اهالی آن؛ کسانی را که به خداوند ایمان آورده اند از میوه ها روزی ده»، ما و دوستدارانش و پیروان وصی اوست.

ص: ۶۲

(۱) - (۱) بقره، ۱۲۶.

(۲) - ۲ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۵۹ من سوره البقره ح ۹۶ و ج ۲، ص ۱۶۴ من سوره هود ح ۸۲ و ح ۸۴؛ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۸۴ باب ۸ فضل مکه و آسمانها و عللها ح ۴۳.

خداوند فرمود: «و آنان که کافر شدند پس آنان را بهره کمی خواهیم داد و سپس آنان را به عذاب آتش که بد سرانجامی است می کشانم» منظور از آن کسانی که وصی او را انکار کردند و او را پیروی نکردند بودند. و به خدا قسم حال این امت نیز چنین است.

ص: ۶۳

ضمیمه

حرمت ولایت

عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: لَمَّا هَدَمَ الْحَجَّاجُ الْكَعْبَةَ فَفَرَّقَ النَّاسَ ثُرَابَهَا فَلَمَّا صَارُوا إِلَى بِنَائِهَا فَأَرَادُوا أَنْ يَبْنُوهَا خَرَجَتْ عَلَيْهِمْ حَيْهٌ فَمَنَعَتِ النَّاسَ الْبِنَاءَ حَتَّى هَرَبُوا فَأَتَوْا الْحَجَّاجَ فَأَخْبَرُوهُ فَخَافَ أَنْ يَكُونَ قَدْ مَنَعَ بِنَاءَهَا، فَصَعِدَ الْمِنْبَرَ ثُمَّ نَشَدَ النَّاسَ وَقَالَ انشُدُوا اللَّهَ عَبْدًا عِنْدَهُ مِمَّا ابْتَلَيْنَا بِهِ عِلْمٌ لَمَّا أَخْبَرْنَا بِهِ، قَالَ: فَقَامَ إِلَيْهِ شَيْخٌ فَقَالَ: إِنْ يَكُنْ عِنْدَ أَحَدٍ عِلْمٌ فَعِنْدَ رَجُلٍ رَأَيْتُهُ جَاءَ إِلَى الْكَعْبَةِ فَأَخَذَ مِقْدَارَهَا ثُمَّ مَضَى. فَقَالَ الْحَجَّاجُ: مَنْ هُوَ قَالَ: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: مَعْدِنٌ ذَلِكَ. فَبَعَثَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَأَتَاهُ فَأَخْبَرَهُ مَا كَانَ مِنْ مَنَعِ اللَّهِ إِيَّاهُ الْبِنَاءَ. فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا حَجَّاجُ عَمَدَتُ إِلَى بِنَاءِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ فَأَلْقَيْتُهُ فِي الطَّرِيقِ وَأَنْتَ تَتْرَى أَنَّهُ تَرَاثُ لَكَ، اصْعَدِ الْمِنْبَرَ وَانشُدِ النَّاسَ أَنْ لَا يَبْقَى أَحَدٌ مِنْهُمْ أَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا إِلَّا رَدَّهُ. قَالَ:

فَفَعَلَ فَأَنْشَدَ النَّاسَ أَنْ لَا يَبْقَى مِنْهُمْ أَحَدٌ عِنْدَهُ شَيْءٌ إِلَّا رَدَّهُ. قَالَ:

فَرَدُّوهُ، فَلَمَّا رَأَى جَمَعَ الثَّرَابِ أَتَى عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَوَضَعَ الْأَسَاسَ وَأَمَرَهُمْ أَنْ يَحْفِرُوا. قَالَ: فَتَغَيَّبَتْ عَنْهُمْ

ص: ۶۴

الْحَيْهَ وَحَفَرُوا حَتَّى انْتَهَوْا إِلَى مَوْضِعِ الْقَوَاعِدِ. قَالَ لَهُمْ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَنَحَّوْا، فَتَنَحَّوْا. فَدَنَا مِنْهَا فَعَطَّاهَا بِثَوْبِهِ ثُمَّ بَكَى ثُمَّ غَطَّاهَا بِالثَّرَابِ بِبَيْدِ نَفْسِهِ ثُمَّ دَعَا الْفَعْلَةَ فَقَالَ: ضَعُوا بِنَاءَكُمْ فَوَضَعُوا الْبِنَاءَ فَلَمَّا ارْتَفَعَتْ حَيْطَانُهَا أَمَرَ بِالثَّرَابِ فَعَلَّبَ فَالْقَى فِي جَوْفِهِ فَلِذَلِكَ صَارَ الْبَيْتُ مُرْتَفِعًا يُصْعَدُ إِلَيْهِ بِالدَّرَجِ (۱)؛

ابان بن تغلب گوید: وقتی حججاج خانه خدا را خراب کرد، مردم خاکهای آن را بردند، وقتی به محل کعبه آمدند و خواستند آن را بازسازی کنند، ماری بیرون آمد و از ساخت و ساز مردم جلوگیری کرد؛ به گونه ای که فرار کردند. نزد حججاج آمدند و به او خبر دادند و حججاج ترسید که مبادا این اتفاق سبب جلوگیری از ساختن کعبه شود. او بر منبر رفت و

در میان مردم ندا داد و گفت: قسم می‌دهم اگر کسی درباره این گرفتاری ما چیزی می‌داند به ما هم بگوید. پیرمردی برخاست و گفت: اگر کسی

ص: ۶۵

(۱۱) - کافی، ج ۴، ص ۲۲۲ ح ۸؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۳۲ ح ۱ باب ۱۲ ابواب مقدمات الطواف وما یتبعها؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۳ باب علل الحج ذیله؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۱۵ باب ۸ أحوال أهل زمانه من الخلفاء ح ۱؛ ج ۹۶، ص ۵۲ باب ۵ الكعبه وکیفیه بنائها وفضله ح ۱.

در این باره چیزی بدانند همان است که دیدم به سوی کعبه آمد، اندازه آن را گرفت و رفت. حجاج گفت: او کیست؟ گفت: او علی بن الحسین علیه السلام است. حجاج گفت: او معدن این کار است و نزد امام علیه السلام فرستاد. امام علیه السلام آمد. حجاج داستان جلوگیری خداوند از ساختن کعبه توسط او را گفت، امام علی بن الحسین علیه السلام به او فرمود: ای حجاج! می‌خواهی ساختمانی که به دست ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بنا شده است را بسازی، اما آن را در میان راه انداخته‌ای و غارت کرده‌ای، گویا آن را میراث خود می‌دانی. بر منبر برو و اعلام کن هیچ کس نباشد که چیزی از کعبه برداشته است مگر اینکه آن را برگرداند. حجاج همین کار را کرد و اعلام داشت، کسی نباشد که چیزی از کعبه نزدش باشد مگر آن که باز گرداند و مردم باز گردانند. وقتی دید خاک‌ها جمع شد، امام علی بن الحسین علیه السلام آمد، بنیان را نهاد و دستور داد تا بکنند. مار ناپدید شد، و آن‌ها کردند تا به پایه‌های کعبه رسیدند، امام علیه السلام فرمود: کنار روید، آن‌ها کنار رفتند. حضرت نزدیک پایه‌ها شد و آن را با جامه خویش پوشانید و گریست

ص: ۶۶

سپس آن‌ها را به دست خویش با خاک پوشاند. و پس از آن به کارگرها دستور داد بنایتان را بسازید، آن‌ها ساختند. وقتی دیوارهای آن بالا رفت، دستور داد آن خاک‌ها را آماده کردند و در درون آن ریختند. برای همین بیت الله مرتفع شد و با پلکان‌ها از آن بالا می‌روند.

ص: ۶۷

دعاهای امام سجاد علیه السلام

(۳۶)

دعا در برابر ناودان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا بَلَغَ الْحِجْرَ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ الْمِيزَابَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ ثُمَّ يَقُولُ

:اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ - وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَى الْمِيزَابِ - وَأَجِرْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقِهِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقِهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ (١)؛

امام صادق علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام وقتی به حجر اسماعیل می رسید قبل از رسیدن به ناودان، سر خود را بالا می برد و در حالی که به ناودان نگاه می کرد می فرمود: خدایا با رحمت خود مرا به بهشت داخل نما، و با رحمتت مرا از آتش دوزخ پناه ده، و از بیماری عافیتم بخش، و از روزی حلال بر من وسعت ده و شرّ بدکاران جن و انس و بدکاران عرب و غیر عرب را از من دور کن.

ص: ۶۸

(۱) - ۱- کافی، ج ۴، ص ۴۰۷ ح ۵؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۰۵ ح ۱۲؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۱۶ ح ۵ باب ۲۰ ابواب الطواف.

(۳۷)

دعا در کنار ملتزم

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ إِذَا أَتَى الْمُلْتَزِمَ قَالَ:

اللَّهُمَّ إِنَّ عِنْدِي أَفْوَاجًا مِنْ ذُنُوبٍ وَأَفْوَاجًا مِنْ خَطَايَا وَعِنْدَكَ أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةٍ وَأَفْوَاجٌ مِنْ مَغْفِرَةٍ يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِابْتِغَاؤِ خَلْقِهِ إِلَيْهِ إِذْ قَالَ «أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ»

، اسْتَجِبْ لِي وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا (١)؛

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که امام سجاد به نزد ملتزم می آمد، می گفت: بار الها! همانا نزد من فوج هایی از گناه و فوج هایی از اشتباه است، و نزد تو فوج هایی از رحمت و فوج هایی از بخشش است. ای کسی که (دعا

را) برای مبعوض ترین مخلوقاتش مستجاب گردانید، آن هنگام که گفت: مرا تا روز قیامت مهلت بده، (دعایم را برایم) مستجاب کن و برای من چنین و چنان کن [و حاجت های خود را بخواهد].

ص: ۶۹

(۱) - تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۴۱ من سوره الحجر ح ۱۲؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۹۶ باب ۳۵ واجبات الطواف و آدابہ ح ۹.

(۳۸)

دعا در حجر اسماعیل

عَنْ طَاوُوسِ الْفَقِيهِ قَالَ: رَأَيْتُ فِي الْحِجْرِ زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي وَيَدْعُو:

عُبَيْدُكَ بِبَابِكَ، أَسِيرُكَ بِفِنَائِكَ، مَسْكِينُكَ بِفِنَائِكَ، سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ، يَشْكُو إِلَيْكَ مَا لَا يَخْفَى عَلَيْكَ.

وَفِي خَبَرٍ لَا تَرُدُّنِي عَنْ بَابِكَ (۱)؛

طاووس فقیه گوید: امام زین العابدین علیه السلام را در حجر اسماعیل دیدم که نماز می خواند و دعا می کرد: بنده کوچک تو به در خانه توست، اسیر تو در آستان توست، فقیر تو در آستان توست، درخواست کننده ات در آستان توست، از چیزی که بر تو پوشیده نیست شکوه می کند - و در روایتی آمده است - : مرا از در خانه ات مران.

ص: ۷۰

(۱) - مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۴۸ فصل فی زهدہ علیہ السلام؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۷۸ باب ۵ مکارم أخلاقه و علمه ح ۷۵؛ ج ۹۶، ص ۱۹۶ باب ۳۵ واجبات الطواف و آدابہ ح ۱۰؛ مطالب السؤل، ج ۲، ص ۹۵.

(۳۹)

در کنار کعبه

عَنِ الْأَصْمَعِيِّ قَالَ: كُنْتُ أَطُوفُ حَوْلَ الْكَعْبَةِ لَيْلَةً، فَإِذَا شَابُّ ظَرِيفُ الشَّمَائِلِ وَعَلَيْهِ ذُؤَابَتَانِ وَهُوَ مُتَعَلِّقٌ بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ وَهُوَ يَقُولُ:

نَامَتِ الْعُيُونُ وَعَلَتِ النُّجُومُ وَأَنْتَ [الْمَلِكُ] الْحَيُّ الْقَيُّومُ، غَلَقْتَ الْمُلُوكَ أَبْوَابَهَا وَأَقَامْتَ عَلَيْهَا حُرَّاسَهَا وَبَابُكَ مَفْتُوحٌ
لِلسَّائِلِينَ جِئْتُكَ لِتَنْظُرَ إِلَيَّ بِرَحْمَتِكَ

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ثُمَّ أَنْشَأَ يَقُولُ:

ص: ٧١

اصمعی گفت: شبی به دور کعبه طواف می کردم به جوانی با شمایل زیبا که دو طره مو داشت برخوردارم. به پرده های کعبه چسبیده بود و می گفت: چشمها به خواب رفت و ستاره ها بالا رفتند [و در وسط آسمان قرار گرفتند] و [خدایا] تو پادشاه زنده برپادارنده هر چیز هستی. پادشاهان درها را بستند و نگاهبانان بر آن گماردند اما در تو برای درخواست کنندگان باز است، آدمم تا با رحمت خود به من بنگری. ای که از همه رحمتگران رحمتت بیشتر است، سپس می گفت:

«ای کسی که دعای بیچاره را در تاریکی ها مستجاب می گردانی!

ای که برطرف کننده خسارت و بلا و مرض هستی

زوّارت همگی در اطراف بیت به خواب رفته اند و این تنها تویی، ای پایدار بر پادارنده، که نخواییده ای!

ص: ٧٢

خدایا دعایی می کنم که تو دستور دادی، خدایا به حق بیت و حرم بر گریه ام ترحم کن!

اگر گنهکار به بخشش تو امید نداشته باشد، پس چه کسی نعمت ها را به گنهکاران عطا کند؟»

اصمعی گوید: به دنبال آن جوان رفتم، دیدم او زین العابدین علیه السلام است.

ص: ٧٣

(٤٠)

زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله

پس از حج و عمره از سنن و مستحبات سفارش شده، زیارت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می باشد: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود هرکس به حج آید و به زیارت من نیامد به من جفا کرده است:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ كَانَ أَبِي عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقِفُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيَسَلُّمُ عَلَيْهِ وَيَشْهَدُ لَهُ بِالْبَلَاغِ وَيَدْعُو بِمَا حَضَرَهُ ثُمَّ يُسِنِدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْمَرْوَةِ الْخَضْرَاءِ الدَّقِيقَةِ الْعَرَضِ مِمَّا يَلِي الْقَبْرَ وَيَلْتَرِقُ بِالْقَبْرِ وَيُسِنِدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْقَبْرِ وَيَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ فَيَقُولُ:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ الْجَأْتُ ظَهْرِي وَإِلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ أَسْنَدْتُ ظَهْرِي وَالْقِبْلَةَ الَّتِي رَضِيَتْ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتَقْبَلْتُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمَلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا أَرْجُو وَلَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرَّ مَا أَحْذَرُ عَلَيْهَا وَاصْبَحْتُ الْأُمُورُ بِيَدِكَ فَلَا فَاقِرَ أَفْقَرُ مِنِّي، إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ خَيْرِ مَا فِي بَيْتِكَ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ أَنْ تَبْدُلَ اسْمِي أَوْ تُغَيِّرَ جِسْمِي أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي اللَّهُمَّ كَرِّمْنِي بِالتَّقْوَى وَجَمِّلْنِي بِالنَّعْمِ وَاغْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ وَارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ (۱)؛

ص: ۷۴

(۱۱) - ۱- کافی، ج ۴، ص ۵۵۱ ح ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۷ باب کیفیه زیاره النبی علیه السلام وادابها ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۵۳ باب ۲ زیارته علیه السلام من قریب وما یستحب ح ۲۰؛ کامل الزیارات، ۱۶ الباب الثالث ح ۳؛ و ص ۱۹ ح ۸.

امام موسی بن جعفر از پدرش از جدش علیهم السلام نقل می کند که فرمود: پدرم امام علی بن الحسین علیه السلام بر سر قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می ایستاد و بر او سلام می داد و به ابلاغ رسالت شهادت می داد و دعاهایی که به یادداشت می خواند، سپس به سنگ سبز رنگ که عرض باریکی داشت پشت می داد و به قبر می چسبید و رو به قبله می گفت: بار اله، به سوی تو پشت خود را پناه دادم [بر تو تکیه کردم] و به قبر محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده تو تکیه دادم و به قبله ای که برای محمد صلی الله علیه و آله پسندیدی رو کردم، خداوندا من به گونه ای شده ام که بر نیکی که امید دارم، توانایی ندارم و توانایی راندن بدی که از آن پرهیز می کنم را ندارم، همه کارها به دست توست. هیچ فقیری فقیرتر از من نیست، من به خیری که بر من فرود می فرستی نیازمندم. بار اله! مرا از سوی خود به نیکی باز گردان که کسی را یارای باز گرداندن فضل تو نیست. خداوندا! به تو پناه می برم از اینکه نامم را یا جسم مرا تغییر دهی یا نعمت خود را از من زایل گردانی. خداوندا! مرا با تقوا ارجمند گردان و با نعمت ها زیبا گردان و مرا در عافیت فرو بر و به من شکرگزاری عافیت را روزی گردان.

حدیث شبلی

لَمَّا رَجَعَ مَوْلَانَا زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْحَجِّ اسْتَقْبَلَهُ الشَّبْلِيُّ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ:

حَجَجْتَ يَا شَبْلِيُّ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَنْزَلَتِ الْمِيقَاتُ وَتَجَرَّدْتَ عَنِ مَخِيطِ الثِّيَابِ وَاغْتَسَلْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَحِينَ نَزَلَتِ الْمِيقَاتُ نَوَيْتَ أَنَّكَ خَلَعْتَ ثَوْبَ الْمَعْصِيَةِ وَلَبِسْتَ ثَوْبَ الطَّاعَةِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَحِينَ تَجَرَّدْتَ عَنِ مَخِيطِ ثِيَابِكَ نَوَيْتَ أَنَّكَ تَجَرَّدْتَ مِنَ الرِّيَاءِ وَالنَّفَاقِ وَالذُّخُولِ فِي الشُّبُهَاتِ؟ قَالَ:

لَا. قَالَ: فَحِينَ اغْتَسَلْتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ اغْتَسَلْتَ مِنَ الْخَطَايَا وَالذُّنُوبِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَمَا نَزَلَتِ الْمِيقَاتُ وَلَا تَجَرَّدْتَ عَنِ مَخِيطِ الثِّيَابِ وَلَا اغْتَسَلْتَ. ثُمَّ قَالَ: تَنْظَّفْتَ وَأَحْرَمْتَ وَعَقَدْتَ بِالْحَجِّ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ فَحِينَ تَنْظَّفْتَ وَأَحْرَمْتَ وَعَقَدْتَ الْحَجَّ نَوَيْتَ أَنَّكَ تَنْظَّفْتَ بِنُورِهِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ لِلَّهِ تَعَالَى؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَحِينَ أَحْرَمْتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ حَرَّمْتَ عَلَى نَفْسِكَ كُلَّ مُحَرَّمٍ حَرَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: لَا.

هنگامی که مولای ما امام سجاد علیه السلام از حج بازگشت شبلی (۱)

(۱) - معروف این است که حدیث پیش گفته را شبلی از امام چهارم علیه السلام نقل کرده است، اما برخی در انتساب این سخنان به امام علیه السلام هم از جهت راوی این سخنان و هم از جهت نوع گفتار اشکال کرده اند. در برابر، عده ای نیز در صدد پاسخ به این ایرادها برآمده اند: این اشکالات عبارت اند از: افراد متعدد به نام شبلی ملقب بوده اند که نزدیکترین آنان به عصر ائمه علیهم السلام (ابوبکر دلف بن جحدر) است که تقریباً دو قرن پس از شهادت امام سجاد علیه السلام به دنیا آمده است. پس شبلی هر کدام که باشند نمی تواند مستقیماً از امام علیه السلام روایت کند، از سوی دیگر این روایت سبک و سیاق سخنان ائمه علیهم السلام را ندارد و ممکن است سخن برخی از عرفا باشد

که به امام نسبت داده شده است. دیگر اینکه ترتیب اعمال حج در این حدیث مطابق ترتیب فقهی آن نیست. علامه جوادی آملی در پاسخ آورده اند: در این گونه روایات که با سایر معارف هماهنگ بوده و مخالف نیست، کاستی در سند مانع استفاده از متن بلند و نورانی آن نیست و عدم هماهنگی ترتیب مناسک به دلیل این است که امام علیه السلام درصدد بیان احکام مناسک و تکالیف ظاهری حج گزاران نبوده اند (ر. ک: جرعه ای از صهبای حج: ص ۱۷۱-۱۷۲). درباره اشکال نبودن راوی به نام شبلی در میان معاصرین آن حضرت علیه السلام برخی گفته اند: بسا شبلی در نوشتن این گونه نوشته شده واصل آن (شیبیه) بن نعامه بوده است که نام او در میان اصحاب حضرت سجاد علیه السلام ذکر شده است (جهاد الامام السجاد، ص ۱۷۵).

به استقبال آن حضرت رفت. امام سجاد علیه السلام به او فرمود: شبلی! آیا حج به جا آوردی؟ گفت: بلی، یابن رسول الله!

امام علیه السلام فرمود: به میقات آمدی و جامه های دوخته را درآوردی و غسل کردی؟ گفت: بلی.

فرمود: هنگام آمدن در میقات، آیا نیت داشتی که جامه گناه را بیرون آورده و جامه طاعت می پوشی؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگام برهنه شدن از جامه های دوخته ات، نیت داشتی که از ریا و نفاق و ورود در کارهای شبهه ناک برهنه می شوی؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگام غسل کردن، نیت آن داشتی که خود را از لغزشها و گناهان شستشو می دهی؟ گفت: نه.

فرمود: بنابراین نه به میقات آمده ای و نه از جامه های دوخته عاری شده و نه غسل کرده ای.

ص: ۷۸

سپس فرمود: آیا نظافت کردی و احرام پوشیدی و پیمان حج بستی؟ گفت: آری.

فرمود: به هنگام نظافت و پوشیدن احرام و بستن پیمان حج، آیا نیت آن داشتی که با داروی توبه خالص برای خدای متعال خود را [از گناه] پاک می کنی؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگام محرم شدن، آیا نیت داشتی که هر آنچه خداوند عزّ و جلّ حرام کرده بر خود حرام می کنی؟ گفت: نه.

ص: ۷۹

قَالَ: فَحِينَ عَقَدْتَ الْحَجَّ نَوَيْتَ أَنَّكَ قَدْ حَلَلْتَ كُلَّ عَقْدٍ لِغَيْرِ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَنْظُفْتَ وَلَا أُحْرَمْتَ وَلَا عَقَدْتَ الْحَجَّ.

قَالَ لَهُ: أَدَخَلْتَ الْمِيقَاتَ وَصَلَّيْتَ رَكَعَتِي الْإِحْرَامِ وَلَبَّيْتُ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَحِينَ دَخَلْتَ الْمِيقَاتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ بَيْنَهُ الرِّيَازَهُ؟ قَالَ: لَا. قَالَ:

فَحِينَ صَلَّيْتَ الرَّكَعَتَيْنِ نَوَيْتَ أَنَّكَ تَقَرَّبْتَ إِلَى اللَّهِ بِخَيْرِ الْأَعْمَالِ مِنَ الصَّلَاةِ وَأَكْبَرِ حَسَنَاتِ الْعِبَادَةِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَحِينَ لَبَّيْتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ نَطَقْتَ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ بِكُلِّ طَاعَةٍ وَصُمْتَ عَنْ كُلِّ مَعْصِيَةٍ؟ قَالَ: لَا.

قَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا دَخَلْتَ الْمِيقَاتَ وَلَا صَلَّيْتَ وَلَا لَبَّيْتَ. ثُمَّ قَالَ لَهُ:

أَدَخَلْتَ الْحَرَمَ وَرَأَيْتَ الْكَعْبَةَ وَصَلَّيْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَحِينَ دَخَلْتَ الْحَرَمَ نَوَيْتَ أَنَّكَ حَرَمْتَ عَلَى نَفْسِكَ كُلَّ غَيْبِهِ تَسْتَعِينُهَا الْمُسْلِمِينَ مِنْ أَهْلِ مِلَّةِ الْإِسْلَامِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَحِينَ وَصَلْتَ مَكَّةَ نَوَيْتَ بِقَلْبِكَ أَنَّكَ قَصَدْتَ اللَّهَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا دَخَلْتَ الْحَرَمَ وَلَا رَأَيْتَ الْكَعْبَةَ وَلَا صَلَّيْتَ.

ص: ٨٠

فرمود: به هنگام بستن پیمان حج آیا نیت داشتی که هر پیمان غیر الهی را می گشایی [و آن را پوچ می دانی]؟ گفت: نه.

فرمود: بنابراین نه نطافت کرده ای و نه محرم شده ای و نه پیمان حج بسته ای.

امام علیه السلام به او فرمود: به میقات داخل شدی و دو رکعت نماز احرام گزاردی و لبیک گفتی؟ گفت: آری.

فرمود: آیا به هنگام داخل شدن میقات نیت داشتی که برای زیارت داخل می شوی؟ گفت: نه.

فرمود: هنگام گزاردن دو رکعت نماز آیا نیت داشتی که به سبب بهترین اعمال و بزرگترین حسنات بندگان، که نماز است، به خدا نزدیک می شوی؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگام لبیک گفتن، آیا نیت داشتی که به اطاعت خدا، سخن می گویی و از هر معصیت سکوت می کنی؟ گفت: نه.

فرمود: [بنا بر این] نه به میقات داخل شده ای و نه نماز گزارده ای و نه لبیک گفته ای.

سپس به او فرمود: آیا در حرم داخل شدی و کعبه را دیدی و نماز گزاردی؟ گفت: بله.

فرمود: وقتی داخل حرم شدی، آیا نیت داشتی که هر غیبتی که نسبت به مسلمانان می کنی را بر خود حرام کنی؟ گفت: نه.

فرمود: هنگامی که به مکه رسیدی، آیا در دل نیت کردی که خدا مقصودت هست؟ گفت: نه.

فرمود: پس نه در حرم داخل شده ای و نه کعبه را دیده ای و نه نماز خوانده ای.

ص: ۸۱

ثُمَّ قَالَ: طُفْتَ بِالْبَيْتِ وَمَسَسْتَ الْأَرْكَانَ وَسَعَيْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَحِينَ سَعَيْتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ هَرَبْتَ إِلَى اللَّهِ وَعَرَفَ مِنْكَ ذَلِكَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَمَا طُفْتَ بِالْبَيْتِ وَلَا مَسَسْتَ الْأَرْكَانَ وَلَا سَعَيْتَ. ثُمَّ قَالَ لَهُ: صَافَحْتَ الْحَجَرَ وَوَقَفْتَ بِمَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصَلَّيْتَ بِهِ رَكَعَتَيْنِ؟ قَالَ: نَعَمْ. فَصَاحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَيْحَةً كَأَدِّ يُفَارِقُ الدُّنْيَا ثُمَّ قَالَ: آه آه ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ صَافَحَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فَقَدْ صَافَحَ اللَّهَ تَعَالَى، فَانظُرْ يَا مَسْكِينُ لَا تُضَيِّعْ أَجْرَ مَا عَظَّمْتَ حُرْمَتَهُ وَتَنَقَّضَ الْمُصَافِحَةَ بِالْمُخَالَفَةِ وَقَبِضَ الْحَرَامَ نَظِيرَ أَهْلِ الْآثَامِ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

نَوَيْتَ حِينَ وَقَفْتَ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّكَ وَقَفْتَ عَلَى كُلِّ طَاعَةٍ وَتَخَلَّفْتَ عَنْ كُلِّ مَعْصِيَةٍ؟ قَالَ: لَا.

ص: ۸۲

سپس فرمود: آیا طواف خانه کردی و ارکان را لمس نمودی و سعی کردی؟ گفت: آری.

فرمود: به هنگام سعی آیا نیت آن داشتی که [از شرّ شیطان و نفس اماره] به خدا پناه می بری و او که آگاه به نهران هاست به این نیت تو آگاه است؟ گفت: نه.

فرمود: بنابراین نه طواف خانه کرده ای و نه ارکان را لمس نموده ای، و نه سعی کرده ای.

سپس امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: آیا با حجر الاسود مصافحه کردی و نزد مقام ابراهیم ایستادی و دو رکعت نماز خواندی؟ گفت: بله.

[آنگاه] امام صیحه ای زد که نزدیک بود از دنیا رود. سپس فرمود: آه، آه، هر کس با حجر الاسود مصافحه کند با خداوند متعال مصافحه کرده است. ای بیچاره! بنگر پاداش چیزی که احترام آن بزرگ است را ضایع نگردانی و مصافحه خود را با مخالفت و گرفتن حرام، مانند گنهکاران، نشکنی.

سپس فرمود: وقتی نزد مقام ابراهیم ایستادی، آیا نیت داشتی که بر سر هر فرمانی [از خدا] ایستاده ای و از هر معصیتی سرپیچی می کنی؟ گفت: نه.

ص: ۸۳

قَالَ: فَحِينَ صَلَّيْتَ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ نَوَيْتَ أَنَّكَ صَلَّيْتَ بِصَلَاةِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَرْغَمْتَ بِصَلَاتِكَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ لَهُ: فَمَا صَافَحْتَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَلَا وَقَفْتَ عِنْدَ الْمَقَامِ وَلَا صَلَّيْتَ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: أَشْرَفْتَ عَلَى بئرِ زَمْرَمَ وَشَرِبْتَ مِنْ مَائِهَا؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: نَوَيْتَ أَنَّكَ أَشْرَفْتَ عَلَى الطَّاعَةِ وَغَضَضْتَ طَرْفَكَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا أَشْرَفْتَ عَلَيْهَا وَلَا شَرِبْتَ مِنْ مَائِهَا ثُمَّ قَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَسَعَيْتَ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرَوِّهِ وَمَشَيْتَ وَتَرَدَّدْتَ بَيْنَهُمَا؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ لَهُ: نَوَيْتَ أَنَّكَ بَيْنَ الرَّجَاءِ وَالْخَوْفِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَمَا سَعَيْتَ وَلَا مَشَيْتَ وَلَا تَرَدَّدْتَ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرَوِّهِ ثُمَّ قَالَ:

أَخْرَجْتَ إِلَى مَنِيِّ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: نَوَيْتَ أَنَّكَ أَمِنْتَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِكَ وَقَلْبِكَ وَبَيْدِكَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَمَا خَرَجْتَ إِلَى مَنِيِّ.

ص: ۸۴

فرمود: هنگامی که در آن جا دو رکعت نماز گزاردی، آیا نیت داشتی که نماز ابراهیم را آن جا می گذاری و با نماز خود، بینی شیطان را بر خاک می مالی؟ گفت: نه.

امام به او فرمود: پس با حجر الاسود مصافحه نکرده ای و نزد مقام ابراهیم نایستاده ای و آنجا دو رکعت نماز نخوانده ای.

سپس فرمود: آیا بر سر چاه زمزم رفتی و از آب زمزم خوردی؟ گفت: بله.

فرمود: آیا نیت داشتی که بر سر فرمانبرداری از خدا رفته ای و چشم خود را بر معصیت بسته ای؟ گفت: نه.

فرمود: پس بر سر زمزم نرفته ای و از آب آن نخورده ای.

سپس به او فرمود: آیا میان صفا و مروه سعی کردی و راه رفتی و میان آن دو تردد نمودی؟ گفت: بله.

فرمود: آیا نیت داشتی که تو میان خوف و رجا هستی؟ گفت: نه.

فرمود: پس میان صفا و مروه سعی نکرده ای و راه نرفته ای و تردد ننموده ای.

سپس فرمود: آیا [از مکه] به سوی منی خارج شدی؟ گفت:

بله. فرمود: آیا نیت داشتی که مردم را از زبان و قلب و دستت در امان داری؟ گفت: نه.

فرمود: پس به سوی منی خارج نشده ای.

ص: ۸۵

ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَوْقَفْتَ الْوُقْفَةَ بِعَرَفَةَ وَطَلَعْتَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ وَعَرَفْتَ وادِي نَمْرَةَ وَدَعَوْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْمَيْلِ وَالْجَمْرَاتِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: هَلْ عَرَفْتَ بِمَوْقِفِكَ بِعَرَفَةَ مَعْرِفَةَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَمْرَ الْمَعَارِفِ وَالْعُلُومِ وَعَرَفْتَ قَبْضَ اللَّهِ عَلَى صَحِيفَتِكَ وَأَطَّلَاغَهُ عَلَى سَرِيرَتِكَ وَقَلْبِكَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: نَوَيْتَ بِطُلُوعِكَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ أَنَّ اللَّهَ يَرْحَمُ كُلَّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ وَيَتَوَلَّى كُلَّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ؟ قَالَ: لَا. قَالَ:

فَنَوَيْتَ عِنْدَ نَمْرَةَ أَنَّكَ لَا تَأْمُرُ حَتَّى تَأْتِيَ وَلَا تَزُجُرُ حَتَّى تَنْزُجُرَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَعِنْدَمَا وَقَفْتَ عِنْدَ الْعَلَمِ وَالنَّمْرَاتِ، نَوَيْتَ أَنَّهَا شَاهِدَةٌ لَكَ عَلَى الطَّاعَاتِ، حَافِظَةٌ لَكَ مَعَ الْحَفَظَةِ بِأَمْرِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ؟ قَالَ:

لَا. قَالَ: فَمَا وَقَفْتَ بِعَرَفَةَ وَلَا طَلَعْتَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ وَلَا عَرَفْتَ نَمْرَةَ وَلَا دَعَوْتَ وَلَا وَقَفْتَ عِنْدَ النَّمْرَاتِ.

ص: ۸۶

سپس فرمود: آیا در عرفات وقوف کردی و بر جبل الرحمه بالا رفتی و وادی (نمره) را شناختی و نزد میل و جمرات، خدا را خواندی؟ گفت: آری.

فرمود: به هنگام وقوف در عرفات، آیا حق معرفت خداوند سبحان را ادا کردی؟ و به معارف و علوم الهی پی بردی و دانستی که با تمام وجود در قبضه قدرت خدا هستی و او بر نهان کار تو و خفایای قلب تو آگاه است؟ گفت: نه.

فرمود: با قرار گرفتن بر جبل الرحمه آیا نیت داشتی که خدا هر مرد و زن مؤمنی را مورد رحمت قرار می دهد و سرپرستی هر زن و مرد مسلمان را عهده دار می شود؟ گفت: نه.

فرمود: آیا در نمره در دل داشتی که تا خود امر الهی را اطاعت نکنی، دیگران را امر نکنی و تا نهی الهی را ترک نکنی نهی ننمایی؟ گفت: نه.

فرمود: وقتی نزد (علم) و (نمرات) وقوف کردی، نیت داشتی که آن دو شاهد اطاعت های تو هستند و همراه فرشتگان نگهبان به امر پروردگار آسمانها، حافظ تو می باشند؟ گفت: نه.

فرمود: بنابراین، نه در عرفات وقوف کرده ای و نه بر جبل الرحمه بالا رفته ای و نه نمره را شناخته ای و نه نزد نمرات وقوف داشته و نه خدا را خوانده ای.

ص: ۸۷

ثُمَّ قَالَ: مَرَرْتُ بَيْنَ الْعَلَمَيْنِ وَصَلَّيْتُ قَبْلَ مُرُورِكَ رَكَعَتَيْنِ، وَمَشَيْتَ بِمُزْدَلَفِهِ، وَلَقَطْتَ فِيهَا الْحَصَى وَمَرَزْتَ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَحِينَ صَلَّيْتَ رَكَعَتَيْنِ، نَوَيْتَ أَنَّهَا صَلَاةُ شُكْرٍ فِي آيَلِهِ عَشْرٌ تَنْفَى كُلُّ عُسْرٍ وَتُيسِّرُ كُلَّ يَسْرٍ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَعِنْدَمَا مَشَيْتَ بَيْنَ الْعَلَمَيْنِ وَلَمْ تَعْدِلْ عَنْهُمَا يَمِيناً وَشِمَالاً نَوَيْتَ أَنْ لَا تَعْدِلَ عَنِ الدِّينِ الْحَقِّ يَمِيناً وَشِمَالاً لَا بِقَلْبِكَ وَلَا بِلِسَانِكَ وَلَا بِجَوَارِحِكَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَعِنْدَمَا مَشَيْتَ بِمُزْدَلَفِهِ، وَلَقَطْتَ مِنْهَا الْحَصَى نَوَيْتَ أَنَّكَ رَفَعْتَ عَنْكَ كُلَّ مَعْصِيَةٍ وَجَهْلٍ وَتَبَّتْ كُلُّ عِلْمٍ وَعَمَلٍ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَعِنْدَمَا مَرَرْتَ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، نَوَيْتَ أَنَّكَ أَشَعَرْتَ قَلْبَكَ إِشْعَارَ أَهْلِ التَّقْوَى وَالْخَوْفِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: لَا.

قَالَ: فَمَا مَرَرْتَ بِالْعَلَمَيْنِ وَلَا صَلَّيْتَ رَكَعَتَيْنِ وَلَا مَشَيْتَ بِالمُزْدَلَفِهِ وَلَا رَفَعْتَ مِنْهَا الْحَصَى وَلَا مَرَزْتَ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ. ثُمَّ قَالَ لَهُ:

وَصَلَّتْ مِنْى وَرَمَيْتَ الْجَمْرَةَ وَحَلَقْتَ رَأْسَكَ وَذَبَحْتَ هَدْيَكَ وَصَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ، وَرَجَعْتَ إِلَى مَكَّةَ وَطَفَّتْ طَوَافَ الْإِفَاضَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ.

ص: ۸۸

سپس امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: آیا از میان دو علم عبور کردی و پیش از گذر، دو رکعت نماز گزاردی و آیا بر زمین مزدلفه راه رفتی و سنگ ریزه برچیدی؟ و آیا بر مشعر الحرام گذر کردی؟ گفت: آری.

فرمود: به هنگام گزاردن دو رکعت نماز، آیا نیت آن داشتی که آن نماز شکر در شب دهم است و هر مشکلی را برطرف می کند و هر کاری را آسان می سازد؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگام راه رفتن میان دو عَلم و مراقبت بر عدم انحراف به راست و چپ، آیا نیت داشتی که از دین حق - نه با قلب و نه با زبان و نه با اعضای بدنت - به راست و چپ منحرف نشوی؟ گفت: نه.

فرمود: هنگام راه رفتن بر زمین مزدلفه و وقتی سنگریزه ها را بر می چیدی، نیت داشتی که هر گناه و نادانی را از خود برمی گیری و هر علم و عملی را بر خود ثابت می کنی؟ گفت: نه.

فرمود: هنگام گذر بر مشعر الحرام، نیت داشتی که قلب خود را به شعار تقوی و خوف خداوند عزّ و جلّ مُشعر می داری؟ گفت: نه.

فرمود: بنابراین، نه بر دو عَلم گذشته ای و نه دو رکعت نماز را گزارده ای، نه بر مزدلفه راه رفته ای و نه سنگریزه از آن برچیده ای و نه بر مشعر الحرام گذر کرده ای.

سپس فرمود: آیا به منی رسیدی و رمی جمره کردی و سر تراشیدی و قربانی کردی و در مسجد خیف نماز به جا آوردی و به مکه باز گشتی و طواف افاضه (بازگشت) به جا آوردی؟ گفت: آری.

ص: ۸۹

قَالَ: فَنَوَيْتَ عِنْدَ مَا وَصَلْتَ مِنِّي، وَرَمَيْتَ الْجِمَارَ أَنْتَ بَلَّغْتَ إِلَى مَطْلَبِكَ وَقَدْ قَضَيْتَ رَبُّكَ لَكَ كُلَّ حَاجَتِكَ؟ قَالَ: لَا.
قَالَ: فَعِنْدَمَا رَمَيْتَ الْجِمَارَ نَوَيْتَ أَنْتَ رَمَيْتَ عَدُوَّكَ إِبْلِيسَ وَعَغَضِبْتَهُ بِتَمَامِ حَجِّكَ النَّفِيسَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَعِنْدَمَا حَلَقْتَ رَأْسَكَ، نَوَيْتَ أَنْتَ تَطَهَّرْتَ مِنَ الْأَدْنَسِ وَمِنْ تَبِعِهِ بَنَى آدَمَ وَخَرَجْتَ مِنَ الدُّنُوبِ كَمَا وَلَدْتِكَ أُمُّكَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَعِنْدَمَا صَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ، نَوَيْتَ أَنْتَ لَا تَخَافُ إِلَّا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَذَنْبَكَ وَلَا تَرْجُو إِلَّا رَحْمَةَ اللَّهِ تَعَالَى؟ قَالَ: لَا. قَالَ:
فَعِنْدَمَا ذَبَحْتَ هَدْيَكَ نَوَيْتَ أَنْتَ ذَبَحْتَ حَنْجَرَةَ الطَّمَعِ بِمَا تَمَسَّكَتَ بِهِ مِنْ حَقِيقَةِ الْوَرَعِ وَأَنْتَ اتَّبَعْتَ سُنَّةَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامِ بِذَبْحِ وَلَدِهِ وَثَمَرِهِ فُوَادِهِ وَرَبِحَانِ قَلْبِهِ وَحَاجِهِ (۱) سُنَّتَهُ

لَمَنْ بَعْدَهُ وَقَرَّبَهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لِمَنْ خَلَفَهُ؟ قَالَ: لَا.

ص: ۹۰

(۱) - ۱) فی هامش المستدرک، ص ۱۷۱: کذا فی المخطوط، والظاهر أنّ صوابه «وأحییته».

فرمود: هنگامی که به منی رسیدی و رمی جمرات کردی، نیت داشتی که به خواسته ات رسیدی و خداوند هر حاجت تو را برآورده است؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگام رمی جمرات، آیا نیت داشتی که دشمن خود - ابلیس - را رمی می کنی و با پایان دادن به حج ارزشمند خود، بر شیطان خشم گرفته ای؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگام سر تراشیدن، نیت داشتی که از تمام پلیدی ها و از تبعات (گناه) آدمیان پاک می شوی و همچون روزی که مادر تو را زائید از گناهان بیرون می روی؟ گفت: نه.

فرمود: هنگام نماز گزاردن در مسجد خیف، نیت داشتی که جز خدای عزّ و جلّ و گناهانت از کسی نهراسی و جز رحمت خداوند متعال به چیزی امید نبندی؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگام ذبح قربانی خود آیا نیت آن داشتی که با تمسک به حقیقت پارسایی، گلوی طمع را می بُری و سنت ابراهیم علیه السلام را پیروی می کنی که با سر بریدن فرزند و میوه دل و آرام جان خود سنت بندگی و تقرب به خداوند متعال را برای آیندگان پس از خود پایه گذاشت؟ گفت: نه.

ص: ۹۱

قَالَ: فَعِنْدَمَا رَجَعْتَ إِلَى مَكَّةَ وَطُفْتَ طَوَافَ الْإِفَاضَةِ، نَوَيْتَ أَنْكَ أَفْضَتَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَرَجَعْتَ إِلَى طَاعَتِهِ وَتَمَسَّكَتَ بِوُدِّهِ وَأَدَيْتَ فَرَائِضَهُ وَتَقَرَّبْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؟ قَالَ: لَا. قَالَ لَهُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا وَصَلْتَ مِنِّي وَلَا رَمَيْتَ الْجَمَارَ وَلَا حَلَقْتَ رَأْسَكَ وَلَا أَدَيْتَ نُسُكَكَ وَلَا صَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ وَلَا طُفْتَ طَوَافَ الْإِفَاضَةِ وَلَا تَقَرَّبْتَ، إِرْجِعْ. فَإِنَّكَ لَمْ تَحُجَّ. فَطَفِقَ الشُّبَلِيُّ بِيكِي عَلَى مَا فَرَّطَهُ فِي حَجِّهِ وَمَا زَالَ يَتَعَلَّمُ حَتَّى حَجَّ مِنْ قَابِلٍ بِمَعْرِفِهِ وَبِقِينِ (۱)؛

ص: ۹۲

(۱) - مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۶ ح ۵ باب ۱۷ ابواب العود الی منی.

فرمود: هنگامی که به مکه بازگشتی و طواف افاضه به جا آوردی، آیا نیت داشتی که کوچ تو از روی رحمت خداوند متعال بوده و اکنون به طاعت او باز گشته ای و به دوستی او تمسک جسته ای و واجبات او را ادا کرده ای و به خدا نزدیک شده ای؟ گفت: نه. آنگاه امام زین العابدین علیه السلام به او فرمود: نه به منی رسیده ای و نه رمی جمرات کرده ای و نه سر تراشیده ای، و نه فرائض حج را به جا آورده ای و نه در مسجد خیف نماز گزارده ای و نه طواف افاضه انجام داده ای و نه به قرب الهی رسیده ای. باز گرد که [به حقیقت]، حج نکرده ای.

شبلی به خاطر کوتاهی در حجّ خود شروع به گریه کرد و پیوسته یاد می گرفت تا سال آینده با معرفت و یقین، حجّ خود را به جا آورد.

ص: ۹۳

ص: ۹۴

کتابنامه:

- ۱- الاربعون حديثاً؛ الشيخ البهائي، مؤسسه النشر الاسلامي، ۱۴۱۵ ق.
- ۲- الارشاد؛ ابي عبدالله محمد بن محمد بن النعمان العكبري - المؤتمر العالمي لالفیه الشيخ المفيد ۱۴۱۳ ق.
- ۳- الاصول الستة عشر من الاصول الاوليه؛ دارالشبستري للمطبوعات، قم ۱۴۰۵ ق.
- ۴- امالی الصدوق؛ الشيخ ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي، منشورات مؤسسه الاعلمي للمطبوعات، بيروت ۱۴۰۰ ق، ۱۴۱۶ ق.
- ۵- امالی الطوسي؛ شيخ أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي، مكتبه الداوري.
- ۶- بحار الانوار (۱-۱۱۰)؛ العلامة محمد باقر المجلسي مؤسسه الوفا، بيروت، ۱۴۰۳.
- ۷- تفسير العياشي؛ محمد بن مسعود بن عياش السلمی السمرقندی؛ المكتبه الاسلاميه تهران.
- ۸- تهذيب الاحكام؛ شيخ الطائفه أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي، دارالكتب الاسلاميه تهران.
- ۹- ثواب الاعمال؛ ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي، مكتبه الصدوق ۱۳۹۱ ق.
- ۱۰- جامع الاخبار؛ محمد بن محمد السبزواري، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاهياء التراث قم، ۱۴۱۴.
- ۱۱- جرعه ای از صهبای حج؛ آیه الله عبدالله جوادی آملی.
- ۱۲- جهاد الامام السجّاد عليه السلام؛ السيد محمد رضا الحسيني الجلالی، مؤسسه دارالحدیث الثقافیه، ۱۴۱۸ ق.

١٣- الخصال؛ الشيخ ابى جعفر بن على بن الحسين بن بابويه القمى، مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجامعه المدرسين قم، ١٤١٦ ق.

١٤- روضه الواعظين؛ محمد بن الفتال النيشابورى، منشورات الشريف الرضى، ١٣٦٨.

١٥- سنن ابن ماجه (١-٢)؛ محمد بن يزيد القزوينى ابن ماجه، دارالفكر.

١٦- عده الداعى و نجاح الساعى؛ احمد بن فهد الحلى، دارالكتاب الاسلامى، ١٤٠٧ ق.

ص: ٩٥

١٧- علل الشرايع؛ الشيخ ابى جعفر محمد بن على بن الحسين بن موسى بن بابويه، منشورات المكتبه الحيدريه نجف ١٣٨٥ ق.

١٨- عيون اخبار الرضا عليه السلام؛ (١-٢) الشيخ ابى جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى، منشورات المطبعه الحيدريه، - النجف، ١٣٩٠ هـ.

١٩- فتح الابواب بين ذوى الالباب و بين رب الارباب فى الاستخارات؛ السيد ابى القاسم على بن موسى بن طاووس، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، ١٤٢٢ هـ.

٢٠- الكافى؛ ثقة الاسلام ابى جعفر محمد بن يعقوب كلينى، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٨٨ ق.

٢١- كامل الزيارات؛ شيخ ابى القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، مكتبه المرتضويه النجف الاشرف، ١٣٥٦ ق.

٢٢- كشف الغمه فى معرفه الائمه مترجم (٤-١)؛ شيخ ابى الحسن على بن عيسى الاربلى، دارالكتاب الاسلامى، بيروت، ١٤٠١ ق.

٢٣- لسان العرب (١-١٥)؛ ابن منظور، نشر ادب الحوزه، قم، ١٤٠٥ ق.

٢٤- مستدرک الوسائل (٢٧-١)؛ الحاج ميرزا حسين النورى الطبرسى، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث - قم؛ ١٤٠٧ ق.

٢٥- المحاسن؛ احمد بن محمد بن خالد البرقى؛ المعاونه الثقافيه للمجمع العالمى لاهل البيت عليهم السلام قم، ١٤١٣ ق.

٢٦- مطالب السئول؛ كمال الدين محمد بن طلحه الشافعي، مؤسسه ام القرى للتحقيق و النشر، ١٤٢٠ ق.

٢٧- مكارم الاخلاق؛ (١-٢) الشيخ ابي نصر الحسن بن الفضل، مؤسسه النشر الاسلامي التابعه لجماعه المدرسين، ١٤٢٥ ق.

٢٨- مناقب آل ابي طالب؛ ابي جعفر رشيد الدين محمد بن علي بن شهر آشوب، انتشارات علامه قم.

٢٩- من لا يحضره الفقيه؛ للشيخ ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي، منشورات جامعه المدرسين؛ قم، ١٤١٤ ق.

٣٠- نهج البلاغه؛ محمد دشتي، نشر مشرقين، زمستان ٧٩.

٣١- وسايل الشيعه؛ الشيخ محمد بن حسن الحر العاملي، مكتبه الاسلاميه طهران، ١٣٨١ ق.